حضرت زهرا(س) و حضرت مهدي(عج) (1(

علي مصلحي

اشاره‌

نتيجه اي كه از تفكر در آيات ، روايات وتشرفات به دست مي آيد اين است كه ارتباطي ، خيلي نزديك بين حضرت زهرا (عليهاالسلا‌م) و حضرت مهدي(عج) وجود دارد، گويي رمز و رازي ميان اين دو بزرگوار مي‌باشد.

نوشتار حاضر، تلا‌ش براي بيان اين ارتباط اساسي و تشابه اين دو وجود نوراني، عليهماالسلا‌م، است.

مهدي(عج)، ادامه‌ي زهرا(س) و آينه‌ي تمام نماي اوست. اهداف مهدي(عج) اهداف فاطمه(س)، و راه او راه فاطمه، و سلوك او سلوك فاطمه است.

فاطمه با نام مهدي شاد مي‌شد و با ياد او خود را تسليت مي‌داد. بدون مهدي(عج)، تحمل شهادت حسين(ع) بر فاطمه سنگين مي‌نمود. چون بي مژده‌ي او، رسالت پدرش و تمامي انبياء سلف را ناتمام مي‌يافت.

مهدي باوري بي شناخت فاطمه ميسور نيست. فاطمه به چنين فرزندي مي بالد و مهدي نيز بر چنين مادري فخر مي فروشد. مناسب است به نمونه هايي از اين ارتباط و مشابهت‌ها در آيات و روايات و برخي تشرفات معتبر بپردازيم:

حضرت‌ مهدي(عج) فرزند حضرت‌ فاطمه(س)

مهدي(عج) ادامه‌ي زهرا(س) فرزند فاطمه(س) است، به بعضي از روايات خاصه و عامه اشاره مي كنيم.1

روايات‌ خاصه:

الف) قال رسول‌ اللّه(صلّي‌اللّه‌‌عليه‌وآله‌وسلّم) : المهدي‌ من‌ عترتي‌ من‌ وُ‌لد‌ فاطمه‌ يقاتل‌ علي‌ سنتي‌ كما قاتلت‌ علي‌ الوحي2

‌پيامبر اكرم(صلّي‌اللّه‌عليه‌وآله‌وسلّم) فرمودند‌: مهدي(عليه‌السّلام) از خانواده‌ من‌ و از فرزندان‌ فاطمه(عليهاالسّلام) است‌ كه‌ بر اساس‌ سنّت‌ من‌ جنگ‌ مي‌كند؛‌ چنانكه‌ من‌ بر طبق‌ وحي‌ جنگ‌ كردم.

قابل‌ توجه‌ است كه پيامبر(صلّي‌اللّه‌عليه‌وآله‌وسلّم) در ابتدا به‌ طور كلي‌ مي‌فرمايد: مهدي‌ از عترت‌ من است؛ سپس‌ با <مِن > دايره‌ را تنگ ‌مي‌كند؛ كه‌ از فرزندان‌ فاطمه(عليهاالسّلام) است.

ب) روايت‌ديگري‌كه‌دلالت‌بر اين‌مطلب‌مي‌كند، قسمتي‌از حديث‌لوح‌است؛‌كه‌خداوند فرمود: ‌واَع ‏طَي ‏تُك‌َ يا محمد مَن ‏ اُخ ‏رِجَ مِن ‏ ص‌ل ‏بِهِ (يعني‌علياً) احد عشر مهديا ؛ كلّهم مِن‌ذريتك مِن‌البِكر البتول؛ آخر‌ رَج‌لٍ منهم‌ا‌ن ‏جي به‌من‌الهلكه...3

‌اي‌محمد! به‌تو عطا كردم‌كسي‌را (علي) كه‌يازده‌راهنما از نسل‌او خارج‌خواهم‌كرد؛ كه‌همگي‌از نسل‌تو، از زهراي‌بتول‌است. آخرين‌آنها مردي‌است‌كه‌به‌دست‌او از هلاكت‌نجات‌مي‌بخشم...

‌به‌همين‌دو روايت‌از روايات‌خاصه‌اكتفا مي‌كنيم.

روايات‌عامه‌:

‌الف) عن‌ام‌سلمه،‌قالت: سمعت‌رسولَ‌اللّه(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) يقول: المهدي‌من‌عترتي‌من‌ولد‌فاطمه 4

‌ام‌سلمه‌مي‌گويد: از پيامبر(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) شنيدم‌كه‌مي‌فرمود:‌مهدي(عليه‌السّلام) از خاندان‌من، از فرزندان فاطمه (عليهاالسّلام) است.

ب) عن‌الحسين(عليه‌السّلام) قال: قال‌رسول ا‌لله(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) لفاطمه : ابشري‌يا فاطمه ؛‌فانّ‌المهدي‌ منك5

‌امام‌حسين(عليه‌السّلام) مي‌فرمايد، كه‌پيامبر(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) فرمودند به‌حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) : بشارت‌برتو، كه‌مهدي‌از تو مي‌باشد.

ج) قتاده مي‌گويد : از سعيد پرسيدم : آيا مهدي‌حق‌است؟ گفت: بله‌او حق‌است. پرسيدم‌: از كدام‌طايفه‌و قبيله‌است؟ گفت: از قريش. پرسيدم : از كدام‌تيره‌ي‌قريشيان؟ جواب‌داد: از بني‌هاشم. سؤال‌كردم : از كدام‌دسته‌هاشيمان؟ گفت: از فرزندان‌عبدالمطلب. پرسيدم : از كدام‌فرزند وي؟ جواب‌داد : از اولاد فاطمه(عليهاالسّلام).6

مهدي(عج) در بيان ‌حضرت‌زهرا‌(س)

‌محمود بن‌وليد‌مي‌گويد: وقتي‌پيامبر(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) از دنيا رفتند، كانت‌فاطمه(عليهاالسّلام) تاتي‌قبور الشهداء‌وتاتي‌قبر حمزه‌و تبكي... قلت: يا سيده‌النسوان‌! قد والله قطعت ‏ نياط‌قلبي‌من‌بكائك. فقالت‌: يا ابا عمرو! لحقٌ لي‌البكاء؛ فلقد اُصبتُ‌بخير الاباء رسول‌ا‌لله واشوقاه‌الي‌رسول الله!... قلت‌: هل‌نص‌رسول‌الله‌قبل‌وفاته‌علي‌عليّ بالامامه؟ قالت: وا عجبا! انسيتم‌يوم‌غديرخم‌. قلت‌: قد كان‌ذلك؛ لكن اخبريني‌بما اشير اليك. قالت‌: اشهد الله‌تعالي‌لقد سمعته‌يقول‌عليّ خير من‌اُخلّفه‌فيكم‌وهو الامام‌والخليفه‌بعدي‌و سبطاي‌و تسعه‌من‌صلب‌الحسين‌ائمه‌ابرار؛‌لئن‌اتبعتموهم‌وجد تموهم‌هادين‌مهدييّن؛‌ولئن‌خالفتموهم‌ليكون‌الاختلاف‌فيكم‌الي‌يوم‌القيامه‌. قلت: يا سيدتي! فما باله قعد‌عن‌حقه‌. قالت‌: يا با عمرو! لقد قال(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم): مثل‌الامام‌مثل‌الكعبه‌؛ اذ تؤتي‌ولاتاتي. ثم‌قالت‌. اما والله لو تركوا الحق‌علي‌اهله‌واتّبعوا عتره‌نبيه‌لما اختلف‌في‌الله‌اثنان‌ولورثها سلف‌عن‌سلف‌وخلف‌بعد خلف،‌حتي‌يقوم‌قائمنا التاسع‌من‌ولد الحسين...7

راوي‌مي‌گويد: بعد از وفات‌پيامبرحضرت‌فاطمه هميشه‌به‌زيارت‌قبور شهداي‌احد ميآمد و كنار قبر حمزه‌گريه‌ مي‌كرد. روزي‌به‌او گفتم: اي‌سرور زنان! به خدا سوگند گريه‌شما رگهاي‌قلب‌مرا پاره‌كرد.

‌حضرت‌زهرا‌جواب‌فرمودند‌: اي‌ابو عمرو! ‌سزاوار است‌كه‌من‌گريه‌كنم؛ چرا‌كه به‌مصيبت‌بهترين‌پدران‌مبتلا‌شده‌ام. آه، چقدر مشتاق‌رسول‌خدايم!...

‌عرض‌كردم: آيا پيامبر قبل‌از وفاتش‌تصريحي‌به‌ امامت‌حضرت‌علي(عليه‌السّلام) كردند؟

‌فرمودند‌: چقدر عجيب‌است! آيا روز غديرخم‌را فراموش‌كرده‌ايد؟!

‌عرض‌كردم: بله،‌روز غدير بود؛‌اما منتظر چيزي‌هستم‌كه‌پيامبر(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) به شما فرموده‌باشد. حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) با چند تأكيد‌فرمودند: خدا را شاهد مي‌گيرم‌كه‌از او(صلّي‌اللّه‌ُعليه‌وآله‌وسلّم) شنيدم،‌كه‌مي‌فرمود: علي(عليه‌السّلام) بهترين‌كسي‌است‌كه در بين‌شما به‌عنوان‌جانشين‌خود مي‌گذارم؛ او امام‌و خليفه‌بعد از من‌است‌و دو نوه‌ي‌من‌و نه‌نفر از فرزندان‌حسين(عليه‌السّلام) پيشوايان ‌نيكويي‌هستند، كه‌اگر از آنها پيروي‌كنيد، مي‌يابيد كه‌آنها هدايت‌كننده‌هدايت‌شده‌اند؛ و اگر با آنها مخالفت‌كنيد،‌تا روز قيامت‌در بين‌شما اختلاف‌خواهد بود.

‌عرض‌كردم: اي‌سرور من! پس‌ چرا علي(عليه‌السّلام) از حق‌خود كناره‌گيري‌كرد؟ فرمودند:‌اي‌ابا عمرو! پيامبر(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) فرمودند: مَثَل‌امام،‌مثل‌كعبه‌است؛‌كه‌بايد به‌سوي‌او آيند و او به‌سوي‌مردم‌نمي‌رود. سپس‌حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) فرمودند: به‌خدا‌قسم‌اگر حق‌را به‌اهلش‌واگذار مي‌كردند و از خاندان‌پيامبر تبعيت‌مي‌كردند، هيچ دو نفري هم‌با يكديگر اختلاف‌نمي‌كردند و امر خلافت‌به‌تك‌تك‌جانشينان‌پيامبر(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) مي‌رسيد؛ تا قائم‌ما، نهمين‌فرزند از حسين(عليه‌السّلام)،‌قيام‌مي‌نمود.

مهدي(عج) در لوح‌ و صحيفه‌ي‌فاطمه(س)

حديث‌لوح‌و صحيفه، طولا‌ني است‌و به‌چند نحو روايت‌شده‌است.8 در اينجا به‌قسمتهايي‌از آن‌اشاره مي‌كنيم:

... فقال‌جابر: اشهد بالله‌اني‌دخلت‌علي‌امّك فاطمه‌في‌حياه‌الرسول(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) اهنّئها بولاده‌الحسين؛ فرايت‌في‌يدها لوحا اخضر،‌ظننت‌انه‌زمرد؛‌ورايت‌فيه‌كتابا ابيض،‌شبه‌نور الشمس؛ ‌فقلت‌لها: بابي‌و امي ‌يا بنت‌رسول‌ا‌لله (صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم)! ما هذا اللوح؟ فقالت: هذا اللوح‌اهداه‌الله‌جل‌جلاله‌الي‌رسول‌الله(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم)؛ فيه‌اسم‌ ابي‌و اسم بعلي واسم‌ابنيّ‌واسماء الاوصياء من‌ولدي؛ فاعطانيه‌ابي‌ليبشرّني‌بذلك. قال‌جابر: فاعطتنيه‌امك فاطمه، فقراته‌وانتسخته... : بسم‌الله‌الرحمن‌الرحيم؛‌هذا كتاب‌من‌الله‌العزيز (الحكيم) لمحمد نوره‌وسفيره‌وحجابه... انّي‌لم‌ابعث‌نبيا فاكملت‌ايامه‌و انقضت‌مدته،‌الاجعلت‌له‌وصيّاً؛ واني‌فضلتك علي‌الانبياء و فضّلت‌وصيك علي‌الاوصياء‌واكرمتك بشبليك بعده‌وسبطيك حسن‌وحسين؛‌فجعلت‌حسنا معدن‌علمي‌بعد انقضاء ‌مده‌ابيه‌وجعلت‌حسينا خازن‌وحي‌واكرمته‌بالشهاده... بعترته‌اثيب‌واعاقب؛‌‌اوّ‌لهم(علي) سيد العابدين‌و... وابنه‌شبيه‌جدّه‌المحمود محمد الباقر لعلمي... سيهلك المرتابون‌في‌جعفر... و انتجبت‌بعده‌موسي... ان‌المكذّب‌بالثامن مكذّب‌بجميع‌اوليائي... حق‌القول‌منّي‌لاقرن‌عينه‌بمحمد ابنه‌وخليفته‌من‌بعده... واختم‌بالسعاده‌لابنه‌عليّ وليه‌وناصري... واخرج‌منه‌الداعي‌الي‌سبيلي‌والخازن‌لعلمي‌الحسن‌ثم‌اكمل‌ذلك بابنه‌رحمه للعالمين،‌عليه‌كمال‌موسي‌وبهاء‌عيسي‌و صبر ايوب9

‌جابر بن‌عبدالله‌انصاري‌مي‌گويد: خدا را گواه‌مي‌گيرم‌كه‌در زمان‌رسول‌خدا(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) براي‌تهنيت‌ولادت‌امام‌حسين(عليه‌السّلام) بر مادرتان‌حضرت‌فاطمه(عليهاالسّلام) وارد شدم‌و در دست‌ايشان‌لوح‌سبز رنگي‌ديدم‌كه‌پنداشتم‌از زمرّد است. در آن‌نوشته‌اي‌سپيد و نوراني،‌مانند نور خورشيد،‌ديدم. گفتم‌: اي‌دختر رسول‌خدا! ‌پدر و مادرم‌فداي‌شما باد! اين‌لوح‌چيست؟ فرمود‌: اين‌لوح‌را خداوند متعال‌به‌رسولش‌هديه‌كرده‌ است؛‌و در آن‌اسم‌پدر و شوهر و دو فرزندم‌و اوصياي‌از فرزندانم‌ثبت‌شده؛‌و پدرم‌آن‌‌را به‌من‌عطا فرموده،‌تا بدان‌مسرور گردم. جابر مي‌گويد‌: آن‌‌را به‌من‌دادند و آن‌را خواندم‌و از روي‌آن‌استنساخ‌نمودم...: <بسم‌الله‌الرحمن‌الرحيم؛‌اين‌كتابي‌است‌از جانب‌خداي‌عزيز حكيم‌براي‌محمد، نور و سفير و حجاب‌او... من‌هيچ‌پيامبري‌را مبعوث‌نكردم،‌جز آنكه‌وقتي‌ايامش‌كامل‌و مدتش‌سپري‌شد، براي‌او وصي‌قرار دادم؛‌و من‌تو را بر انبيا فضيلت‌دادم‌و وصي‌تو را افضل‌اوصيا قرار دادم‌و تو را به‌دو فرزند او و دو نوه‌ي‌تو، حسن‌و حسين، گرامي‌داشتم؛ حسن‌را پس‌از پدرش معدن‌علمم‌قرار دادم‌و حسين‌را خازن‌وحي‌خود ساختم‌و شهادت‌را به او كرامت‌كردم... به‌واسطه‌عترت‌او ثواب‌مي‌دهم‌و عقاب‌مي‌كنم. اولين‌عترت‌او، علي‌سرور عابدين‌و... و فرزند او كه‌همنام‌جدش‌محمود است؛‌يعني‌محمد، كه‌شكافنده‌ي‌علم‌من‌است... شك‌كنندگان‌در جعفر هلاك‌خواهند شد... بعد از او فرزندش موسي‌را برگزيدم... همانا‌تكذيب‌كننده‌امام‌هشتم، تكذيب‌كننده‌همه‌ي‌اولياء‌من‌است... بر من‌فرض‌است‌كه‌چشم‌او را به‌پسر و جانشينش‌محمد روشن‌سازم... و سعادت‌او را به‌واسطه‌فرزندش‌علي،‌كه‌وليّ و ناصر من‌است،‌ختم‌مي‌كنم... از صلب‌او حسن‌را كه‌داعي‌به‌راه‌من‌و خازن‌علم‌من‌است، ‌بيرون‌مي‌آورم؛‌سپس‌به‌خاطر‌رحمت‌خود‌بر عالميان، سلسله‌ي‌اوصياء‌را به‌وجود فرزندش‌تكميل‌خواهم‌كرد؛‌كسي‌كه‌كمال‌موسي، بهاي عيسي‌و صبر ايوب‌را دارا مي‌باشد.>

ياد مهدي(عج) تسلا‌ي زهرا(س)

الف‌: ‌پيامبر(صلّي اللّهُ عليه وآله وسلّم) در بستر مرگ‌بودند كه‌حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) وارد شدند. حال‌پدر را كه‌ديدند، شروع‌به‌گريه‌كردند. كم‌كم‌صداي زهرا(عليهاالسّلام) بلند شد. پيامبر(صلّي‌اللّهُعليه‌وآله‌وسلّم) سرشان‌را بلند كردند و علت‌را سؤ‌ال‌نمودند. حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) عرض‌كردند‌: از تباهي‌و ضايع‌شدن‌دين‌و عترت،‌بعد از شما مي‌ترسم. اينجا بود كه‌او را دلداري‌دادند ‌به‌اينكه‌مهدي‌امت‌از نسل‌تو ظهور مي‌كند و ريشه‌ضلالت‌و گمراهي‌را‌مي‌كند.

روايات بي‌شماري درباره‌ي اين موضوع وارد آمده است10 كه به عنوان نمونه به يكي از آنها به نقل از عامه اشاره مي‌كنيم:

علي‌بن‌هلال‌عن‌ابيه،‌قال: دخلت علي‌رسول الله(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) وهو في‌الحاله‌التي‌قبض‌فيها، فاذاً فاطمه‌عند ‌راسه؛‌فبكت‌حتي‌ارتفع‌صوتها؛ فرفع‌رسول‌الله(صلّي‌اللّهُعليه‌وآله‌وسلّم) اليها راسه‌وقال: حبيبتي فاطمه‌ما الذي‌يبكيك‌؟ فقالت‌:‌اخشي‌الضيعه‌من‌بعدك. فقال‌: يا حبيبتي! اما علمت‌ان‌الله‌عزوجل‌اطلع‌علي‌اهل‌الارض‌اطلاعه‌فاختار منها اباك فبعثه برسالته، ثم اطلع اطلا‌عه فاختار منها بعلك واوحي‌اليّ‌ان‌انكحك اياه. يا فاطمه‌! ونحن‌اهل‌بيت‌قد اعطانا الله‌عزوجل‌سبع‌خصال‌لم‌يعط‌احداً قبلنا و لايعطي‌احدا بعدنا‌: انا خاتم‌النبيين‌واكرم‌النبيين‌علي‌الله‌عزوجل‌و احب‌المخلوقين‌الي‌الله‌عزوجل‌وانا ابوك‌؛‌ووصيي‌خير الاوصياء واحبهم‌الي‌الله‌عزوجل،‌هو بعلك؛ و شهيدنا خير الشهداء واحبهم‌الي الله‌عزوجل،‌و هو حمزه‌بن‌عبدالمطلب‌عم‌ابيك وعم‌بعلك؛ ومنّا من‌له‌جناحان‌يطير في‌الجنه‌مع‌الملائكه‌حيث‌يشاء، وهو ابن‌عم‌ابيك و اخو بعلك؛ وسبطا هذه‌الامه،‌وهما ابناك الحسن‌و الحسين‌و‌هما سيدا ‌شباب‌اهل‌الجنه‌وابوهما (والذي‌بعثني‌بالحق) خير منهما. يا فاطمه‌! والذي‌بعثني‌بالحق‌ان‌منهما مهدي‌هذه‌الامه. اذا صارت‌الدنيا هرجا ومرجا وتظاهرت‌الفتن‌وانقطعت‌السبل‌واغار بعضهم‌علي‌بعض،‌فلاكبير يرحم‌صغيرا ‌و‌لاصغير يوقر‌كبيراً؛ فيبعث‌الله‌عند ذلك منهما من‌يفتح‌ حصون‌الضلاله‌وقلوبا غلفا 11

راوي‌مي‌گويد: پيامبر(صلّي‌اللّه‌‌عليه‌وآله‌وسلّم) در بستر مرگ‌بود. فاطمه(عليهاالسّلام) در كنار سر او مشغول‌گريه‌شد؛‌ناگاه‌صداي‌ناله‌اش‌بلند شد. پيامبر(صلّي‌اللّهُعليه‌وآله‌وسلّم) سر خود را بلند كرد و فرمود: عزيزم‌فاطمه! چرا گريه‌مي‌كني؟ عرض‌كرد: پس‌از شما،‌از ضايع شدن‌و مورد ستم‌قرار گرفتن مي‌ترسم. فرمود: محبوبهِ‌من! آيا نمي‌داني‌كه‌خداوند عزوجل‌نظري‌بر اهل‌زمين‌كرد،‌و مرا از ميان‌آنها انتخاب‌نموده‌و مبعوث‌كرد؛ در مرتبه‌دوم‌كه‌نظر كرد، از بين‌آنها شوهر تو را انتخاب‌كرد و به‌من‌وحي‌كرد كه‌تو را به‌ازدواج‌او در آورم. ما اهل‌بيتي‌هستيم‌كه‌خداوند هفت‌خصلت‌به‌ما داده،‌كه‌به‌احدي‌قبل‌از ما و بعد از ما نداده‌: من‌خاتم‌پيامبران و كريمترين‌پيامبران‌و محبوبترين‌خلق‌نزد خداوند هستم،‌و من‌پدر تو هستم؛‌و وصي‌من‌بهترين‌اوصيا‌و محبوبترين‌آنها نزد خداوند‌است،‌و او شوهر توست؛‌و شهيد ما بهترين‌شهدا و محبوبترين‌آنها نزد خداوند است،‌و آن‌حمزه‌عموي‌پدر و شوهر تو مي‌باشد؛‌و از ما كسي‌هست‌كه‌صاحب‌دو بال‌است‌در بهشت‌كه‌همراه ملائكه‌پرواز مي‌كند،‌و او پسر‌عموي‌پدر و برادر شوهر تو مي‌باشد؛‌و از ما خاندان است‌دو سبط،‌اين‌امت‌كه‌آنها‌دو فرزند تو، حسن‌و حسين(عليهماالسلا‌م) هستند،‌كه‌سرور جوانان‌بهشتند،‌و پدر آنها بهتر از آن‌دو مي‌باشد. اي‌فاطمه! سوگند به‌كسي‌كه‌مرا‌به‌رسالت‌مبعوث ‌نمود،‌از آن‌دو، مهدي(عليه‌السّلام) اين‌امت‌مي‌باشد. آن گاه‌كه‌دنيا را هرج‌و مرج‌فرا گيرد و آشوب‌ها آشكار گردد؛‌راه‌ها بسته‌شده‌و برخي، بعضي‌ديگر را به‌تاراج‌برند؛‌نه‌بزرگي‌بر كوچكي‌رحم‌نمايد و نه‌كوچكي‌احترام‌بزرگتر را رعايت‌كند؛ ‌در آن‌هنگام‌خداوند متعال كسي‌را بر مي‌انگيزد كه‌دژها و قلعه‌هاي‌گمراهي‌و دلهاي‌بسته‌شده‌را فتح‌مي‌كند...

ب: همزمان با تولد امام‌حسين(عليه‌السّلام) به حضرت زهرا(عليهاالسلا‌م) خبر داده مي‌شود كه حسينش را شهيد خواهند كرد.‌حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) ناراحت و گريان ميشود امّا ‌خبر ميآيد كه‌مهدي امت از ذريّه او خواهد بود.

در اين رابطه،‌رواياتي‌است12 كه دو نمونه از آنها ذكر مي‌شود:

‌عن‌ابي‌عبدالله(عليه‌السّلام)قال:‌دخلت‌فاطمه(عليهاالسّلام)علي‌رسول‌الله(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) و عيناه‌تدمع؛‌فسالت ‏ه‌: مالك؟ فقال: انّ جبرئيل(عليه‌السّلام) اخبرني‌اَنّ اُمتي‌ تقت‌ل‌حُسينا؛‌فَجَزَعَت ‏ وش‌قّ عليها؛‌فاخبرها بمن‌يملك من‌ولدها؛‌فطابت نفسُها وسكنت. 13

‌امام‌صادق(عليه‌السّلام) فرمود: فاطمه(عليهاالسّلام) وارد بر پيامبر(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) شدند؛ ديدند اشك‌از چشمان‌پيامبر(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) جاري است. سؤ‌ال‌كردند:‌علت‌گريه چيست؟ فرمودند: جبرئيل(عليه‌السّلام) به‌من ‌خبر داد كه‌امت‌من‌حسين‌را مي‌كشند. حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) هم‌شروع‌به‌گريه‌و ناله كرده و اين سخن بر او سخت آمد تا اينكه پيامبر(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) به‌او خبر دادند كه‌يكي‌از فرزندان‌او سلطه‌پيدا مي‌كند؛‌پس‌او خوشحال‌و ساكت‌شد.

‌در روايت‌ديگري‌،‌امام‌صادق(عليه‌السّلام) مي‌فرمايد: ان‌جبرئيل(عليه‌السّلام) نزل‌علي‌محمد(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) فقال‌يا محمد! ان‌الله‌يقروِ‌عليك السلام‌و يبشرك‌بمولود ي‌ولد‌من‌فاطمه(عليهاالسّلام) تقتله‌امتك من‌بعدك. ... و‌يبشرك انه‌جاعل‌في‌ذريته‌الامامه‌والولايه‌والوصيه‌، ثم‌ارسل‌الي‌فاطمه(عليهاالسّلام): ان‌الله‌يبشرني‌بمولود يولد منك‌تقتله‌امتي‌من‌بعدي‌... :‌ان‌الله‌جاعل في‌ذريته‌الامامه‌والولايه‌والوصيه‌؛14

‌جبرئيل‌بر پيامبر(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) نازل‌شد و عرض‌كرد: خداوند سلام‌به‌تو مي‌رساند و بشارت مي‌دهد ‌تو را به‌فرزندي‌كه‌از فاطمه(عليه‌السّلام) متولد مي‌شود؛‌اما امت‌تو،‌بعد از تو،‌او را مي‌كشند.... و به‌تو بشارت‌مي‌دهد كه‌در فرزندان‌او امامت،‌ولايت‌ووصايت‌را قرار مي‌دهم. سپس‌كسي‌را فرستادند نزد حضرت‌فاطمه(عليهاالسّلام) كه: خداوند مرا بشارت‌داده‌به‌فرزندي‌كه‌از تو متولد مي‌شود،‌ولي‌امت‌من‌بعد از من‌او را مي‌كشند؛‌...:‌و‌خداوند در فرزندان‌او امامت،‌ولايت‌و وصايت‌را قرار مي‌دهد؛‌...

فاطمه(س) الگوي مهدي(عج)

‌حضرت‌مهدي(عليه‌السّلام) فرمود:... في‌ابنه‌رسول‌اللّه(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) لي‌اسوه‌حسنه...15

‌الگو سازي و شناساندن الگوي مناسب از جمله روشهاي اسلام‌براي‌ارائه برنامه‌زندگي‌و ارشاد به‌كمالات‌و مقامات‌معنوي‌است،

‌خداوند در قرآن‌در دو مورد الگو معرفي‌مي‌كند: يكي‌در سوره‌احزاب،‌آيه‌21 <لقد كان‌لكم‌في‌رسول‌اللّه‌اسوه‌حسنه> و ديگري‌در سوره‌ممتحنه،‌آيه‌‌تا‌6 <قد كانت‌لكم‌اسوهٌ حسنه في‌ابراهيم‌والذين‌معه... لقد كان‌فيهم‌اسوهٌ حسنهٌ...>. در آيات بالا‌حضرت ابراهيم و رسول اكرم و كساني كه با ايشان هستند به عنوان الگو شناسانده شده اند.

پس‌الگو منحصر به‌شخص‌پيامبر و ابراهيم (عليهما السلا‌م) نيست؛‌بلكه‌هر كس‌- به تمام معنا - در راه‌اينان باشد مي‌تواند الگو واقع شود.

پس اينكه امام‌زمان(عليه‌السّلام) حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) را الگوي خود قرار مي‌دهد؛16 از آن روست كه حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) جزو‌<والذين‌مَعَه>17 است‌،‌و‌اوكسي‌است‌كه‌از هر جهت حتي‌در راه‌رفتن و سخن‌گفتن و در سيرت‌و صورت‌شبيه‌پيامبر(صلّي‌اللّهُعليه‌وآله‌وسلّم) است. دليل‌اين‌مطلب‌روايات‌متعددي‌است‌كه‌عامه‌و خاصه‌نقل‌كرده‌اند؛ كه در ذيل به عنوان نمونه ،‌دو روايت ذكر مي‌شود:

الف:‌عن‌عايشه: ما رايت‌احداً اشبه‌سمتا و دلاّ وهديا وحديثا برسول‌الله(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) في‌قيامه‌وقعوده‌من‌فاطمه(عليهاالسّلام).18

شبيه‌تر از فاطمه‌به‌پيامبر(صلّي‌اللّهُعليه‌وآله‌وسلّم) در راه‌رفتن،‌آرامش،‌وقار،‌سيرت،‌سخن‌گفتن،‌ايستادن‌و نشستن‌نديدم.

ب: رواياتي‌كه‌پيامبر(صلّي‌اللّهُعليه‌وآله‌وسلّم)؛ به‌حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) فرمود؛ از جمله: ان‌الله‌يغضب‌لغضبك ويرضي‌لرضاك؛ من‌آذاها فقد

آذاني‌‌و يريبني‌مارابها ويؤذيني‌ما آذاها19.

او آئينه‌تمام‌نماي‌پيامبر(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) است‌و درجه‌ي ايمان او به نهايت كمال رسيده است.

پيامبر(صلّي‌اللّهُعليه‌وآله‌وسلّم) به‌سلمان‌فرمودند:

يا سلمان‌! ابنتي‌فاطمه‌ملا الله‌قلبها وجوارحها ايماناً الي‌م‌شاشها، تفرغت‌لطاعه‌الله.20

اي‌سلمان‌! خداوند قلب‌و اعضاي‌فاطمه،‌تا سر نرمي‌استخوانهاي‌او،‌را پر از ايمان‌نموده؛‌كه‌براي‌عبادت خداوند خود را از همه چيز فارغ مي‌سازد.

فاطمه(س) و مهدي(عج) در سوره‌ي قدر

‌عن‌ابي‌عبدالله(عليه‌السّلام) انه‌قال: انا انزلنا‌ه‌في‌ليله‌القدر. الليله‌فاطمه‌والقدر الله؛ فمن‌عرف‌فاطمه‌حق‌معرفتها،‌فقد ادرك‌ليله‌القدر؛‌و انما سميت‌فاطمه،‌لان‌الخلق‌فطموا عن‌معرفتها21

امام‌صادق(عليه‌السّلام) فرمودند: <ليله> در <انا انزلناه‌في‌ليله‌القدر>، فاطمه(عليهاالسّلام) است؛‌و قدر، خداوند. پس‌كسي‌كه‌حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) را آنگونه كه سزاوار است بشناسد شب‌قدر را درك‌كرده است؛ و همانا او را فاطمه‌ناميدند، چرا كه‌مردم‌نمي‌توانند او را بشناسند.

در ادامه حديث چنين آمده است‌

اَو ‏ مِن ‏ معرفتها (الشك من‌ابي‌القاسم) يعني‌راوي‌كه‌روايت‌را نقل‌مي‌كند،‌شك‌دارد كه‌حضرت‌فرمودند <عن‌معرفتها> يا فرمود <من‌معرفتها> وقوله‌<و ما ادراك‌ما ليله‌القدر، ليله‌القدر خير من‌الف‌شهر> يعني‌خير من‌الف‌مومن‌وهي‌ام‌المومنين‌<تنزل‌الملائكه‌والروح‌فيها> و الملائكه‌، المؤمنون‌الذين‌يملكون‌علم‌آل‌محمد(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) والروح‌القدس‌هي‌فاطمه (عليهاالسّلام) <باذن‌ربهم‌من‌كل‌امر،‌سلام‌هي‌حتي‌مطلع‌الفجر> يعني‌حتي‌يخرج‌القائم(عليه‌السّلام)22.

امام‌صادق(عليه‌السّلام) مي‌فرمايد: <ليله‌القدر خير من‌الف‌شهر> يعني‌او بهتر از هزار مؤ‌من‌است؛‌او مادر مؤ‌منين‌است،‌<تنزل‌الملائكه‌(ملائكه‌نازل‌مي‌شوند)> مراد از ملائكه‌مؤمنان‌هستند،‌كه‌علم‌آل‌محمد(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) را فرا مي‌گيرند و مراد از <الروح القدس>، فاطمه(عليهاالسّلام) است‌و <حتي‌مطلع‌الفجر> يعني‌تا زماني كه قائم(عليه‌السّلام) ظهور كند.

در كتاب‌تأويل الايات،‌شرف‌الدين‌نجفي‌روايت‌ديگري‌از امام صادق(عليه السلا‌م) نقل مي كند كه‌فرمودند:

<ليله‌القدر خير من‌الف‌شهر> يعني‌فاطمه،‌في قوله تعالي <تنزل‌الملائكه‌و الروح‌فيها>، و الملائكه‌في‌هذا الموضع، المؤمنون الذين‌يملكون‌علم‌آل‌محمد(عليهم السلا‌م) و <الروح>،‌روح‌القدس‌و هي‌فاطمه(عليهاالسّلام) <من‌كل‌امر سلام>‌، يقول‌كل‌امر سلّمه‌<حتي‌يطلع‌الفجر> يعني‌حتي‌يقوم‌القائم‌(عليه‌السّلام).23

<ليله‌> فاطمه‌است‌و <ملائكه> مؤمنين‌هستند، كه‌علم‌آل‌محمد(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) را فرا مي‌گيرند و <روح>،‌روح‌قدس‌است،‌كه‌فاطمه‌مي‌باشد <من‌كل‌امر سلام> مي‌گويد: هر امري‌كه‌سالم‌قرار داده او را <حتي‌يطلع‌الفجر> يعني‌تا قيام‌قائم(عليه‌السّلام).

خلقت‌هستي طفيل‌هست‌او چرخ‌مي‌چرخد به‌ميل‌دست‌او

ليله‌القدر است‌و مخفي‌قدر او شرح‌ها دارد علوم‌صدر او24

جا دارد كه‌توضيح‌مختصري‌پيرامون‌تشبيه‌حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) به‌ليله‌در اين‌آيات‌شريفه‌بدهيم.

اين‌تشابه‌از وجوهي‌است.

1- مردم، منزلت، عظمت و جايگاه والا‌ي شب قدر را نشناخته اند، و قدر و منزلت حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) هم در نزد مردم ناشناخته مانده است علا‌وه بر اينكه قبر او را هم كسي نمي‌داند.

2- همان‌طور كه‌در شب‌قدر تفريق‌بين‌امور مي‌شود؛‌همچنين‌به‌وسيله‌فاطمه(عليهاالسّلام) بين‌حق‌و باطل‌و مؤ‌من‌و كافر فاصله مي‌افتد.

3- همان‌طور كه‌شب‌قدر ظرف‌نزول‌آيات‌و س‌وَر است؛‌حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) هم ظرف‌امامت‌و مصحف‌است.

4- شب‌قدر، معراج‌انبيا و اولياست؛ ‌همچنين‌ولايت‌حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) مرقات‌وصول‌انبياست‌به‌نبوت، رسالت‌و عظمت‌<ما تكاملت‌النبوه‌لنبي‌حتي‌اقر بفضلها و محبتها>

5 - شب‌ قدر، منشأ فيوضات‌و كمالات‌است؛‌همچنين‌توسل‌به‌حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) وسيله‌خيرات‌و بركات‌و دفع‌بليات‌است.

6- شب‌قدر بهتر است از هزار شب؛‌و حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) بهترين‌زنان‌اولين‌و آخرين‌است؛‌بلكه‌او بهترين‌اهل‌زمين‌است‌از جهت عنصر و شرف و كرم.

هي‌مشكاه‌نور الله‌جل‌جلاله ‌زيتونه‌عمّ الوري‌بركاتها .25

‌براي‌تأييد بعضي‌از وجوه‌فوق، روايت‌مفصل‌و زيبايي‌را مرحوم‌كليني‌نقل‌مي‌كند؛‌‌كه‌به‌اختصار ذكر مي‌كنيم:

مرد نصراني‌طالب‌ حقيقت،‌خدمت‌امام‌موسي‌بن‌جعفر(عليه‌السّلام) رسيد و مطالبي‌را سؤ‌ال‌نمود. يكي‌از آن‌مطالب‌اين‌بود كه: اخبرني‌عن‌كتاب‌الذي‌انزل‌علي‌محمد(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) و نطق‌به،‌ثم‌وصفه‌بما وصفه‌به. فقال: <حم،‌والكتاب‌المبين،‌انا انزلناه‌في‌ليله‌مباركه‌انا كنا منذرين،‌فيها يفرق‌كل‌امر حكيم>26 ما تفسيرها في‌الباطن؟

فقال‌: اما <حم> فهو محمد،‌صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم، ‌و هو في‌كتاب‌هود الذي‌انزل‌عليه،‌و هو منقوص‌الحروف؛‌و اما <الكتاب‌المبين> فهو اميرالمؤ‌منين‌علي(عليه‌السّلام)؛ و اما <الليله> ففاطمه(عليهاالسّلام) <فيها يفرق‌كل‌امر حكيم> يقول‌يخرج‌منها خير كثير فرجل‌حكيم‌فرجل‌حكيم‌فرجل‌حكيم...27.

به‌حضرت‌عرض‌كرد : به‌من‌خبر بده‌از كتابي‌كه‌بر محمد(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) فرود آمده‌و به‌آن‌گويا گشته‌و آن‌را به‌صفاتي‌موصوف‌نمود و در حقش‌گفته‌است‌<حم؛‌سوگند به‌كتاب‌روشن‌و آشكار؛‌به‌درستي‌كه‌ما آن‌را در شب‌مباركي‌فرود فرستاديم‌،‌به‌درستي‌كه‌ما بيم‌دهنده‌ايم؛‌در آن‌شب‌جدا شود هر امر محكمي> تفسير آن‌در باطن‌و حقيقت‌چيست؟

‌حضرت‌فرمودند: اما <حم> همان‌محمد(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) است‌كه‌در كتاب‌هود پيامبر با حروف‌ناقصه‌آمده‌است‌(ميم‌اول‌و دال‌آخرش‌حذف‌شده)؛‌و اما <كتاب‌مبين> همان‌اميرالمؤ‌منين‌علي(عليه‌السّلام) است؛‌و اما مقصود از< ليله> و شب‌همانا فاطمه(عليهاالسّلام) مي‌باشد؛‌و اما اينكه‌فرموده‌<در آن‌جدا مي‌شود هر امر محكمي> يعني‌بر آيد از فاطمه(عليهاالسّلام) خير بسيار و فراوان، مردي‌حكيم، سپس‌مردي‌حكيم، سپس مردي‌حكيم28

شباهتهاي حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) و حضرت‌مهدي(عليه‌السّلام)

بين‌اين‌دو بزرگوار شباهتهايي‌در اسمها‌و صفات‌وجود دارد؛‌كه‌در ذيل‌به‌بيست و پنج مورد از آن‌اشاره‌مي‌شود.

1- حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) بقيه‌النبوه و حضرت‌مهدي(عليه‌السّلام) بقيه‌الانبياء و بقيه‌العتره‌والصفوه‌وسلاله‌ النبوه و بقيه‌الله است.

الف: حضرت زهرا باقيمانده و ادامه‌ي نبوت است.

حضرت زهرا(عليهاالسلا‌م) پس از خواندن خطبه‌ي ‌فدكيه و بازگشت به خانه، ‌سخناني‌گفتند. حضرت علي(عليه‌السّلام) ايشان را،‌با اين‌لقب‌مورد خطاب قرار دادند: يا ابنه‌الصفوه‌وبقيه‌النبوه.29

ب : ‌حضرت مهدي(عج) باقيمانده و ادامه همه انبياي الهي‌

‌حضرت‌حكيمه‌خاتون در ضمن‌نقل‌حديث‌شب‌تولد امام‌زمان(عليه‌السّلام) مي‌گويد: او را خدمت‌امام‌عسكري(عليه‌السّلام) آوردم؛‌پس...فرمود: <سخن‌بگو اي‌حجه‌الله‌و بقيه‌الا‌نبياء و نورالا‌صفياء‌و غوث‌الفقراء و خاتم‌الا‌وصياء و نور الا‌تقياء...؛ پس‌او(عج) فرمود: اشهد ان‌لا اله‌الاالله‌و...>30

‌پس‌مي‌بينيم‌كه‌امام‌عسكري(عليه‌السّلام) او را ‌با‌لقب‌<بقيه‌الانبياء> باقيمانده‌انبياء خطاب كرد.

ج : ‌حضرت مهدي(عج) باقيمانده برگزيدگان و عترت پيامبر است.

‌در استغاثه‌به‌حضرت‌مهدي(عج)،‌بعد از خواندن‌دو ركعت‌نماز مي‌گوييم: سلام‌الله‌الكامل‌التام‌الشامل‌العام... علي... سلاله‌النبوه‌و بقيه‌العتره‌والصفوه‌صاحب‌الزمان.31

‌پس‌درود خدا را بر كسي‌كه‌باقيمانده‌عترت‌و صفوت‌است،‌مي‌فرستيم.

د‌: حضرت مهدي(عج) سلاله‌النبوه‌است‌.

‌ملاحظه‌كرديد كه‌در دعا ي پيشين، بعد از استغاثه‌به‌حضرت‌مهدي(عج)، درود خدا را بر كسي‌كه‌سلاله‌نبوت‌است، مي‌فرستيم.

ه- : حضرت مهدي(عج) بقيه‌الله‌است‌.

‌روايات‌زيادي‌داريم‌كه‌امام‌زمان(عليه‌السّلام) بقيه‌الله‌است. در ذيل‌به‌برخي از آنها ‌اشاره‌مي‌كنيم:

1. عمران‌بن‌داهر مي‌گويد: مردي‌به‌امام‌صادق(عليه‌السّلام) عرض‌كرد: لنسلّم‌علي‌القائم‌بامره‌المؤ‌منين؟‌قال: لا، ذلك‌اسم‌سماه‌الله‌اميرالمؤ‌منين،‌لايسمّي‌به‌احد قبله‌و لابعده الا كافر. قال: فكيف‌نسلّم‌عليه؟‌قال: تقول‌السلام‌عليك‌يا بقيه‌الله. ثم‌قرا(عليه‌السّلام) <بقيه‌الله‌خيرلكم‌ان‌كنتم‌مؤ‌منين>.32و33

‌سؤال شد: آيا مي‌توانيم‌به‌حضرت‌قائم(عج) به‌عنوان‌اميرالمؤ‌منين‌درود بفرستيم‌و بگوييم‌

< السلام‌عليك‌يا اميرالمؤ‌منين>

‌حضرت‌فرمود: خير، آن‌اسم‌خاص‌اميرمؤ‌منان‌علي(عليه‌السّلام) است؛‌كه‌خداوند او را به‌اين‌نام‌ناميده‌است. هرگز كسي‌را جز او نتوان‌به‌اين‌نام‌ناميد. هر كس‌به‌اين‌نام‌ناميده‌شود؛‌چه‌قبل‌از اميرالمؤ‌منين‌علي(عليه‌السّلام) باشد، چه‌بعدش، كافر است.

عرض‌نمود: پس‌چگونه‌بر او(عج) سلام‌كنيم؟‌فرمود: بگو <السلام‌عليك‌يا بقيه‌الله>، سلام‌بر تو اي‌باقيمانده‌خدا. سپس‌امام‌صادق(عليه‌السّلام) آيه‌86 سوره‌هود را تلاوت‌فرمود كه: <باقيمانده‌الهي‌بهتر است‌براي‌شما،‌اگر مؤ‌من‌باشيد.>

2. احمد بن‌اسحاق،‌كه‌از شخصيتهاي‌معروف‌قم‌و وكيل‌امام‌عسكري(عليه‌السّلام) بوده،‌مي‌گويد: خدمت‌امام‌عسكري(عليه‌السّلام) رفتم؛‌تا از جانشين‌او و امام‌بعد از او سؤال‌كنم. قبل‌از آنكه‌ من‌سؤ‌ال‌كنم،‌امام(عليه‌السّلام) فرمود:

‌اي‌احمد بن‌اسحاق! خداي‌تبارك‌و تعالي‌از روزي‌كه‌آدم‌را آفريد،‌تا روزي‌كه‌قيامت‌به‌پا شود،‌زمين‌را خالي‌از حجت‌نگذاشته‌و نمي‌گذارد؛‌بلكه‌همواره‌حجت‌خدا در روي‌زمين‌خواهد بود؛‌كه‌خداوند به‌وسيله‌او بلاها را از زمينيان‌دفع‌مي‌كند و به‌بركت‌او باران‌مي‌فرستد و به‌خاطر او بركات‌زمين‌را خارج‌مي‌نمايد.

گفتم‌: پس‌امام‌بعد از شما كيست؟‌(امام‌بدون‌اينكه‌جوابي‌بدهد) با شتاب‌از جاي‌برخاسته‌و داخل‌اطاقي‌شدند؛‌در هنگام‌بيرون‌آمدن‌كودكي‌را بر دوش‌خود آورد، كه‌صورتش‌چون‌ماه‌شب چهارده‌بود و تقريباً سه‌ساله‌بود؛‌آنگاه‌خطاب‌به‌من‌فرمود: اگر منزلت‌تو در پيش‌حضرت‌احديت‌و حجتهاي‌پروردگار نبود، پسرم‌را به‌تو نشان‌نمي‌دادم.

عرضه‌داشتم: آيا علامتي‌هست‌كه‌من‌بيشتر مطمئن‌شوم‌و دلم‌آرامش‌پذيرد؟ پس‌ناگهان‌حجت‌خدا با زبان‌فصيح‌ و آشكار فرمود: انا بقيه‌الله‌في‌ارضه‌والمنتقم‌من‌اعدائه‌و لاتطلب‌اثرا بعد عينٍ يا احمدبن‌اسحاق...34

(من‌تنها بازمانده‌خدا در زمين‌هستم؛‌از دشمنان‌خدا‌انتقام‌مي‌گيرم. و اي‌احمدبن‌اسحاق! پس‌از ديدن، ديگر نشانه‌نپرس.)

3 . از امام‌صادق(عليه‌السّلام) نقل‌مي‌كنند، كه‌حضرت‌در ترسيم‌روز پر شكوه‌ظهور مي‌فرمايد: اول‌ما يَنطق‌به‌هذه‌الايه‌: <بقيه‌الله‌خير لكم‌ان‌كنتم‌مؤ‌منين> ثم‌يقول: انا بقيه‌الله‌و حجته‌و خليفته‌عليكم؛ فلا ي‌سلّم‌عليه‌مسلمٌ، الا قال‌: السلام‌عليك‌يا بقيه‌الله‌في‌ارضه.35

‌امام‌زمان(عليه‌السّلام) نخستين‌چيزي‌كه‌به‌زبان‌مي‌آورد،‌‌اين‌آيه‌شريفه‌است‌<باقيمانده‌الهي‌براي‌شما بهتر است،‌اگر مؤ‌من‌هستيد> سپس‌مي‌فرمايد‌: بقيه‌الله‌من‌هستم؛‌من‌حجت‌الهي‌و خليفه‌الهي‌بر شما هستم. پس‌هيچ‌مسلماني‌در روي‌زمين ‌بر او سلام‌نمي‌كند،‌مگر به‌اين‌عبارت‌كه: سلام‌بر شما اي‌بقيه‌الله‌در زمين‌الهي.

4. امام‌هادي(عليه‌السّلام) در ضمن‌بيان‌اوصاف‌امام مهدي(عج) مي‌فرمايد:

‌هوالذي‌يجمع‌الكلم‌ويُتِمُّ النِعَم‌وي‌حِق‌اللّه‌به‌الحق‌و ي‌زهِق‌الباطل‌و هو مَهديُّكم‌والمنتظَر‌ثم‌قرا <بقيه‌الله‌خير لكم> و قال: هو والله‌بقيه الله.36

‌او كسي‌است‌كه‌وحدت‌كلمه‌ايجاد مي‌كند و نعمتها را كامل‌مي‌سازد. خداوند حق‌را به‌دست‌او تحقق‌مي‌بخشد و باطل‌را نابود مي‌سازد. او مهدي‌ منتظر شماست‌. آنگاه‌اين‌آيه‌را تلاوت‌كرد: <بقيه‌الله‌خيرلكم> سپس‌فرمود: به‌خدا سوگند بقيه‌الله‌(تنها بازمانده‌از حجتهاي‌الهي) اوست.

2- حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) سيده‌النساء و حضرت‌مهدي(عليه‌السّلام) سيدالخلق‌است‌

الف) حضرت زهرا سرور زنان است.

پيامبر اكرم(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) در موارد متعددي‌به‌دختر‌گرامي‌خود اين لقب‌را داده‌اند؛

ابن‌عباس‌نقل‌مي‌كند كه‌پيامبر(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) فرمود: و امّا ابنَتي‌فاطمه‌فانها سيده‌نساء‌العالمين‌من‌الاولين‌والاخرين.37

اما دخترم فاطمه، سرور زنان عالم از اولين و آخرين مي باشد.

ب)‌حضرت مهدي(عج) سيدالخلق‌است‌.

‌اين‌لقب‌را حضرت‌رضا(عليه‌السّلام) به‌فرزند گراميش‌حضرت‌مهدي(عليه‌السّلام) داده‌اند.

‌عن‌الحسن‌بن‌شاذان‌الواسطي‌قال: كتبت‌الي‌ابي‌الحسن‌الرضا(عليه‌السّلام): اشكو جفأ اهل‌واسط‌و حملهم‌عليّ، و كانت‌عصابه‌من‌العثمانيه‌توذيني؛‌فوقع‌بخطه‌: ان‌الله‌تبارك‌و تعالي‌اخذ ميثاق‌اوليائنا علي‌الصبر في‌دوله‌الباطل؛‌فاصبر لحكم‌ربّك. فلو قد قام‌سيدالخلق‌لقالوا: <يا ويلنا من‌بعثنا من‌مرقدنا هذا ما وعدالرحمن‌و صدق‌المرسلون.>38و39

‌حسن‌بن‌شاذان‌مي‌گويد:‌نامه‌اي‌نوشتم‌خدمت‌امام‌رضا(عليه‌السّلام) و از جفا و يورش‌و اذيّت‌اهل‌واسط،‌كه‌جمعي‌از عثمانيان‌بودند، بر خود‌شكايت‌كردم. حضرت‌به‌خط‌مبارك‌جواب‌فرمودند‌: خداوند از دوستان‌ما پيمان‌گرفته‌كه‌ در دولت‌باطل‌صبر كنند؛‌تو هم‌صبر كن‌(نگران‌نباش). وقتي‌كه‌سيد الخلق‌قيام‌كند، دشمنان‌مي‌خوانند‌: <واي‌بر ما! چه‌كسي‌ما را از قبورمان‌مبعوث‌كرده؟‌اين‌همان است‌كه‌خداوند وعده‌داده‌بود؛ و فرستادگان‌الهي‌راست‌مي‌گفتند.>

‌مرحوم‌علامه‌مجلسي‌مي‌گويد: مراد از سيدالخلق، قائم(عليه‌السّلام) است. پس‌دشمنان‌اهل‌بيت(عليهم‌لسّلام) در آن‌زمان‌رجعت‌مي‌كنند و مؤ‌منان‌از آنها انتقام‌مي‌گيرند. پس‌دشمنان‌مي‌گويند: <يا ويلنا...>40

3- حضرت‌زهرا‌(س) طاهره و حضرت‌مهدي(عج) طاهر است.

الف) ‌حضرت زهرا (عليهاالسّلام) طاهره‌است‌.

اين مطلب هم‌از آيه‌تطهير استفاده‌مي‌شود و هم‌مي‌بينيم‌پيامبر ‌آن‌حضرت‌را به اين لقب ناميدند.

‌اسماء بنت‌عميس‌مي‌گويد: قال‌النبي(صلّي اللّهُ‌عليه‌وآله‌سلّم): اما عَلِمت‌انّ ابنتي‌طاهره مطهره41...

‌پس‌پيامبر(صلّي‌اللّه‌‌عليه‌وآله‌وسلّم) فرمودند: آيا نمي‌داني‌كه‌دخترم‌پاك‌و پاكيزه‌است؛

آيه‌تطهير هم‌دليل ديگري بر پاك بودن حضرت از رجس و پليديها است. <انما يريدالله‌ليذهب‌عنكم‌الرجس‌اهل‌البيت‌و ي‌طهّرَكم‌تطهيرا.42

خداوند اراده‌كرده‌كه‌ناپاكي‌را از شما اهل‌بيت‌دور كند و شما را پاك‌قرار بدهد.>

اين‌آيه‌به‌اجماع‌خاصه‌و عامه‌در شأن پنج‌تن‌آل‌عبا ست.43

ب : ‌حضرت مهدي(عج) طاهر است.

‌اين‌لقب‌را پيامبر اكرم(صلّي‌اللّه‌‌عليه‌وآله‌وسلّم) به‌امام‌زمان(عليه‌السّلام) داده‌اند؛‌در ضمن‌حديثي‌كه‌فرمود: ان‌الله‌عزوجل‌رَكَّبَ في‌ص‌لبِ الحسن‌(اي‌العسكري)(عليه‌السّلام) ن‌طفَه مباركه زكيه طيبه طاهرهً مطهره‌؛ يرضي‌بها كل‌مؤ‌من‌اخذ الله‌ميثاقه‌بالولايه‌ويكف‌ر‌بها كل‌جاحدٍ؛ فهو امامٌ تقيٌ نقي‌هادٍ مهدي...44

‌خداوند در صلب‌امام‌حسن(‌عسكري) (عليه‌السّلام) نطفه‌اي‌مبارك، پاك‌و پاكيزه‌تعبيه‌نمود؛ ‌كه‌هر مؤ‌مني‌كه‌خداوند از او پيمان‌ولايت‌گرفته،‌از او خشنود مي‌شود و هر منكري‌به‌او كفر مي‌ورزد. او پيشواي‌پارسا، پاكيزه، هادي‌و مهدي‌است.

‌در روايت‌ديگري‌امام‌صادق(عليه‌السّلام) فرمودند‌: اذا كان‌ذلك‌فكونوا اجلاسَ بيوتكم‌حتي‌يظهر الطاهر‌بن‌المطهر ذوالغيبه...45

‌وقتي‌آخر الزمان‌شد و فتنه‌ها به‌وجود آمد، شما گليم‌خانه‌ي‌خود باشيد؛‌‌تا خداوند امام‌پاكيزه‌و پسر پاكيزه‌را ظاهر كند.

و در دعايي‌كه‌دستور داده‌اند در زمان‌غيبت‌بخوانيم،‌دارد...: و زد في‌كرامتك له‌فانه‌الهادي... الطاهر التقي‌النقي‌الزكي‌الرضي‌المرضي‌الصابر المجتهد الشكور...46

عرض‌مي‌كنيم:‌خدايا! بر لطف‌و كرامتت‌نسبت‌به‌او بيفزا؛‌كه‌اوست‌هادي... پاك،‌با تقوا‌پاكيزه، منزه،‌صاحب‌مقام‌رضا و خشنودي‌خدا، صبر كننده،‌سپاسگزار‌و...

4- حضرت‌زهرا(س) مباركه‌و حضرت‌مهدي(عج) مبارك‌است.

الف) ‌حضرت زهرا (عليها السلا‌م) مباركه‌است‌.

‌مبارك‌از بركت‌گرفته‌شده؛‌به‌معناي‌رشد و زياده. مبارك‌يعني‌آنچه‌كه‌از او خير زياد بيايد.47

به‌حضرت‌زهرا(عليها السلا‌م) از اين جهت مبارك‌مي‌گويند كه‌او كوثر، <انا اعطيناك‌الكوثر> است؛‌همان طور كه ‌فخر رازي‌در تفسير خود گفته: مراد صديقه‌طاهره،‌فاطمه‌زهرا(عليها السلا‌م) است.48 و صاحب‌مجمع‌البيان‌مي‌گويد : كوثر، زيادي‌نسل‌و فرزند است؛ كه‌از فاطمه‌زهرا(عليهاالسّلام) و اولاد وي، نسل‌رسول اكرم(صلّي‌اللّه‌‌عليه‌وآله‌وسلّم) آنچنان‌فراوان‌شد، كه‌نتوان‌شماره‌كرد.

مرحوم‌علامه‌طباطبايي‌مي‌فرمايد: مراد از كوثري كه خداوند به پيامبر(صلّي اللّهُ‌عليه‌وآله‌سلّم) عطا فرمود، فقط‌كثرت‌ذريه‌پيامبر(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) مي‌باشد، يا مراد، خير كثير است،‌و‌كثرت‌ذريه،‌مراد مي باشد، در ضمن‌خير كثير؛ و اگر غير از اين،‌معنا كنيم،‌محقق كردن و محكم كردن كلا‌م به‌واسطه آيه‌<ان‌شانئك‌هوالابتر> خالي‌از فايده‌مي‌شود.49‌و50

ب) حضرت مهدي(عج) مبارك‌است.

‌در ضمن‌لقبهايي‌كه‌پيامبر(صلّي اللّهُ‌عليه‌وآله‌سلّم) براي‌آن‌حضرت‌شمردند، همين‌لقب‌مبارك‌است.51

وقتي‌پيامبر(صلّي‌اللّه‌‌عليه‌وآله‌وسلّم) در بياناتي آخر الزمان‌را ترسيم‌مي‌كنند ،‌مي‌فرمايد: ولايزال‌ذلك‌البلاد علي‌اهل‌ذلك‌الزمان،‌حتي‌اذا يئسوا و قنطوا واساوُِ ‌والظّن‌اَلاّ ي‌فرَّ‌جَ عنهم‌؛‌اذ بعث‌الله‌رجلا من‌اطايِب‌عترتي‌و ابرارِ ذرّيّتي‌عَدلاً مباركاً زكيّا.52

‌اين‌گرفتاري‌با مردم‌آن‌زمان‌خواهد بود؛‌تا هنگامي‌كه‌مأيوس‌و نا اميد شوند و تصور كنند كه‌ديگر خداوند از آنها رفع‌گرفتاري‌نخواهد فرمود؛ آنگاه‌خداوند مردي‌را از بهترين‌فرزندان‌و پاكترين‌عترت‌من‌بر مي‌انگيزد؛‌كه‌سرا پا عدل‌و بركت‌و پاكي‌است.

5- ‌حضرت‌زهرا(س) زكيه‌و حضرت‌مهدي(عج) زكي‌است.

<‌زكوه> به‌معناي نمو و زيادتي53 يا به‌معناي‌پاكيزه‌از خباثت‌نفس، كينه، بخل، حسد و هرگونه‌پليدي‌و كثافت‌ظاهري‌و باطني است.54

الف) ‌حضرت زهرا (س) زكيه‌است.

در ذيل‌كلمه‌<مباركه> از آن سخن‌گفتيم‌.

ب) ‌حضرت مهدي زكي‌است.

از‌جمله‌القابي‌كه‌پيامبر‌اكرم(صلّي اللّهُ‌عليه‌وآله‌سلّم) به‌حضرت مهدي(عليه‌السلا‌م) داده‌اند، زكي‌است؛‌كه‌روايات آن را در ذيل شباهتهاي 3 و 4 ذكر نموديم.

همچنين‌اميرمؤ‌منان‌علي(عليه‌السّلام) در ضمن نامه‌اي به معاويه اين‌لقب‌را به‌حضرت مهدي (عليه‌السلا‌م) داده‌اند ... و اِنّ رج‌لا مِن‌و‌لدِك، مَشومٌ ملعونٌ... و يَعرَب‌منهم‌رجلٌ من‌ولدي‌زكي‌نقي‌الذي‌يملا الارض‌قسطا و عدلاً.55

‌مردي‌از نسل‌تو كه‌شوم‌و ملعون‌است... سپاهي‌به‌سوي‌مدينه‌مي‌فرستد... و مردي‌پاك‌و پاكيزه‌از نسل‌من، از ميان‌آنها مي‌گريزد و زمين‌را پر از عدل‌و داد مي‌نمايد.

6- حضرت‌زهرا(س) طيبه‌و حضرت‌مهدي(عج) طيب‌است.

الف) ‌حضرت زهرا (س) طيبه‌است.

‌مرحوم‌سيدبن‌طاووس‌بعد از نقل‌روايت‌فضيلت‌اهداي‌نماز به‌معصومين(عليهم‌ا لسّلام) مي‌فرمايد: بعد از نماز هديه‌به‌هر يك‌از معصومين‌اين‌دعا را بخواند...، دعايي كه بعد از خواندن‌نماز هديه‌به‌حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) مي‌فرمايد،‌اين است كه بگويد: اللهم‌اِن هاتَينِ الركعتين‌هديه‌مني‌الي‌الطاهره‌المطهره‌الطيبه الزكيه فاطمه اللهم... و اَثِب ‏ني‌عليهما افضل‌املي‌و رجايي‌فيك‌و في‌نبيك(صلوات‌اللّه‌عليه‌وآله) و وصي‌نبيك و الطيبه‌الطاهره‌فاطمه...56

ب: ‌حضرت مهدي (عج) طيب‌است.

روايات آن در ذيل شباهتهاي سوم وچهارم آمده است.

7- حضرت‌زهرا(س) مطهره‌و حضرت‌مهدي(عج) مطهر است.

‌رواياتي‌كه‌دلالت‌بر اين‌مطلب‌مي‌كند در ذيل شباهت سوّم آمده است.

8 - حضرت‌ زهرا(س) ت-قيه‌و حضرت‌مهدي(عج) ت-قي‌است.

الف) ‌حضرت‌زهرا(س) ت-قيه‌است‌.

حضرت زهرا(عليهاالسّلام) در اوج قله تقوا‌مي‌باشد. در زيارت‌حضرتش‌مي‌خوانيم:

السلام‌عليك‌ايتها التقيّه‌النقيّه 57 سلام‌بر تو اي‌ذات‌متقي‌پاك‌.

‌يا مي‌خوانيم‌: اللهم‌صل‌علي‌محمد و اهل‌بيته‌وصلّ علي‌البتول ‌الطاهره‌الصديقه‌المعصومه ‌التقيه‌النقيه‌الرضيه ‌المرضيه‌الزكيه ‌الرشيده‌المظلومه‌المقهوره.58

ب) حضرت مهدي(عج) تقي‌است.

در ذيل شباهت سوّم،‌روايتي‌كه‌دلالت‌بر اين‌مطلب‌مي‌كند، ذكر شد.

9- حضرت‌زهرا(س) نقيه‌و حضرت‌مهدي(عج) نقي‌است.

‌رواياتي‌كه‌دلالت‌بر اين‌مطلب‌مي‌كند در ذيل شباهتهاي 3 و 5 و 8 ذكر شده.

10- حضرت‌زهرا(س) محدَّثه‌و حضرت‌مهدي(عج) محدَّث‌است.

الف) ‌حضرت زهرا (س) محدثه‌است.

بيش‌از ده‌روايت‌داريم‌كه‌دلا‌لت ‌دارند ملائكه‌بر حضرت زهرا(عليهاالسّلام) فرود آمده و با ايشان سخن‌مي‌گفتند؛‌از اين روي به‌او محدَّثه‌گفتند.

در اينجا‌به‌بعضي‌از آن روايات‌اشاره‌مي‌كنيم:

‌از امام‌صادق(عليه‌السّلام) پيرامون‌مصحف‌فاطمه(عليهاالسّلام) سؤ‌ال‌كردند. امام پس‌از سكوتي‌طولاني‌فرمود:

‌اِنك‌م‌لَتَب ‏حَث‌ونَ عمّا تريدون‌‌و عما لاتريدون. ان‌فاطمه‌مكثت‌بعد رسول‌الله(صلّي اللّهُ‌عليه‌وآله‌سلّم) خمسه‌و سبعين‌يوماً و كان‌دخلها حزن‌شديد علي‌ابيها؛ و كان‌جبرئيل‌يأتيها فَيُح ‏سِنُ عزاها علي‌ابيها و يطيب‌نفسها و يخبرها عن‌ابيه‌و مكانه‌و يخبرها بما يكون‌بعدها،‌و كان‌عليّ‌(عليه‌السّلام) يكتب‌ذلك؛‌فهذا مصحف‌فاطمه.59

شما از هر چيزي سؤال مي كنيد. زهرا(عليها‌السلا‌م) بعد از پيامبر (صلّي اللّهُ‌عليه‌وآله‌سلّم) هفتادوپنج روز بيشتر زنده نبود؛‌و به سبب فقدان پدر، بسيار محزون بود؛‌از اين رو هميشه جبرئيل به نزد او مي آمد و علا‌وه بر اينكه او را تسليت مي گفت و تسلا‌ي او بود، او را از جايگاه او و اخبار آينده آگاه مي كرد و حضرت علي(عليه‌السلا‌م) همآنها را مي‌نوشت. اين نوشته‌ها، مصحف فاطمه(عليهاالسلا‌م) است.60

امام‌صادق(عليه‌السّلام) همچنين فرمودند: انما سميت‌فاطمه‌محدثه‌لان‌الملائكه‌كانت‌تهبط‌من‌ السماء‌فتناديها كما تنادي‌مريم‌بنت‌عمران؛‌فتقول‌الملائكه‌يا فاطمه! ان‌الله‌اصطفاك و طهّرِك علي‌نساء العالمين.61

همانا فاطمه را محدثه ناميدند، چون‌كه هميشه ملا‌ئكه از آسمان بر او هبوط مي‌كردند؛ پس همان‌گونه كه حضرت مريم(عليها‌السلا‌م) را مورد ندا قرار دادند، او را هم مورد خطاب قرار دادند و گفتند: اي فاطمه! خداوند تو را بر تمام زنان عالم برگزيد و تورا پاكيزه قرار داد.

ب : ‌حضرت مهدي(عج) محدث‌است.

‌در اين زمينه دو دسته‌روايات‌داريم. يك‌دسته‌از آنها به‌طور عموم‌دلالت‌مي‌كند كه‌كل‌ائمه(عليهم‌السّلام) محدث‌هستند‌و‌دسته‌ديگر‌رواياتي‌‌است كه‌دلالت‌مي‌كند حضرت مهدي(عجّل‌اللّه‌تعالي‌فرجه‌الشّريف) محدث‌است.

روايات عام:

- قال‌رسول‌الله(صلّي‌اللّهُعليه‌وآله‌وسلّم): مِن ‏ و‌لدي‌اِثنا عَشَرَ نَقيباً، ن‌جَباء‌م‌حَدَّثونَ مُفَهَّمُونَ آخر‌ه‌م‌القائم‌بالحق ّ 62

پيامبر(صلّي‌اللّهُعليه‌وآله‌وسلّم) فرمودند: دوازده‌نقيب‌ازاولاد من‌هستند كه‌همه‌شان‌نجيب،‌محدث،‌آموزش‌يافته‌و صاحب‌فهم‌هستند؛‌كه‌آخرين آنها قائم‌به‌حق‌است.

- قال‌الباقر(عليه‌السّلام)مِنّااثناعَشَرَم‌حدّثاً،السابِع‌مِن ‏و‌لدي القائمٌ(عجّل‌اللّه‌تعالي‌فرجه‌الشّريف)63 دوازده‌محدث‌از ماست؛ كه‌هفتمين‌فرزند من‌همان‌قائم(عجّل‌اللّه‌تعالي‌فرجه‌الشّريف) است.

- ‌امام‌جواد(عليه‌السّلام) از اميرمؤ‌منان‌علي(عليه‌السّلام) نقل‌مي‌كنند،‌كه‌حضرتش‌به‌ابن‌عباس‌فرمود: انّ ليله‌القدر في‌كل‌سنه و اِنّه‌يَنزِل‌في‌تلك الليله‌امر‌السنه‌و لذلك الامر ولاه بعد رسول‌اللّه(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم). فقال‌ابن‌عباس: مَن‌هم؟ قال اَنَا و احد عشر من‌صلبي‌ائمّه محدثون.64

‌حضرت علي(عليه‌السلا‌م) به ابن‌عباس‌فرمودند: شب‌قدر در هر سال‌هست‌(منحصر به‌زمان‌حيات‌پيامبر(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) نبوده) و در آن‌شب‌امور سال‌نازل‌مي‌شود؛‌و براي‌اين‌برنامه، والياني‌بعد از رسول‌اللّه(صلّي‌اللّه‌‌عليه‌وآله‌وسلّم) وجود دارد. ابن‌عباس‌عرض‌كرد: آنها چه‌كساني‌هستند؟ حضرت‌علي(عليه‌السّلام) فرمودند‌: من‌و يازده‌فرزند من،‌كه‌همه‌پيشوا و محدث‌هستند.

- در روايتي‌امام‌صادق(عليه‌السّلام) تفسير آيه‌<تنزل‌الملائكه‌والروح‌فيها...>65 را اين‌گونه‌بيان‌مي‌فرمايند : اَي ‏ من‌عند ربهم‌علي‌محمدٍ وال‌محمد بكل‌امر سلام.66

‌يعني‌ملائكه‌و روح‌از جانب خداوند بر محمد و آل‌ محمد(عليهم‌السّلام) نازل‌مي‌شوند.

- ‌از امام‌باقر(عليه‌السّلام) سؤ‌ال‌شد‌: ‌آيا شما شب‌قدر را مي‌شناسيد؟‌فقال‌و كيف‌لانعرف‌و الملائكه‌يطوفون‌بنا فيها.67 چگونه‌شب‌قدر را نشناسيم؛‌در حالي‌كه‌ملائكه‌در آن‌شب‌در اطراف‌ما طواف‌مي‌كنند.

ملا‌ئكه و اعظم ملا‌ئكه كه روح است،‌در اطراف آنها چرخ مي‌زنند و بر آنها نازل مي‌شوند و با آنها سخن مي گويند.

روايات خاص:

- امام‌رضا(عليه‌السّلام) ضمن‌بر شمردن‌صفات‌امام‌زمان(عليه‌السّلام) مي‌فرمايد:

‌يكون‌اعلمَ‌الناس‌واحكم‌الناس‌واتقي‌الناس‌واحلم‌الناس‌واسخي‌الناس‌واعبدالناس... و يَري‌مَن‌خلفَه‌كما يري‌من‌بين‌يديه‌و لايكون‌له‌ظلٌ... وتنام‌عيناه‌و لاينام‌قلب‌ه‌و يكون‌محدّثاً.68

‌او داناترين‌مردمان، حكيم‌ترين، پرهيزكارترين،‌بردبارترين، بخشنده‌ترين‌و عابدترين‌مردم‌است؛‌كه‌پشت‌سر را مي‌بيند،‌همان‌گونه‌كه‌پيش‌رو را مي‌بيند؛ سايه‌ندارد؛‌ديدگانش‌در خواب‌فرو مي‌رود،‌ولي‌دلش‌هميشه‌بيدار است‌و فرشتگان‌با او سخن‌مي‌گويند.

- يا امام‌جواد(عليه‌السّلام) در ضمن‌بيان‌سير آن‌حضرت‌مي‌فرمايد:

‌ثم‌يدخل‌الكوفه‌فيقتل‌مقاتليها، حتي‌يرضي‌الله‌عزوجل... ثم‌قلت: و ما يدريه،‌جعلت‌فداك‌مني‌يرضي‌الله‌عزوجل؟‌قال: يا ابا الجارود! ان‌الله‌اوحي‌الي‌ام‌موسي‌و هو خير من‌ام‌موسي‌و اوحي‌الله‌الي‌النحل‌و هو خير من‌النحل.69

‌او وارد كوفه‌مي‌شود و جنگ‌كنندگان‌را مي‌كشد، تا خداوند راضي‌شود...، عرض‌كردم: چگونه‌متوجه‌مي‌شود كه‌خداوند راضي‌شده؟‌حضرت‌فرمود: خداوند به‌مادر موسي70 وحي‌كرد؛ ‌و البته مهدي(عليه‌السّلام) بهتر از مادر موسي‌است‌و خداوند به‌زنبور عسل‌وحي‌كرد71 و البته او بهتر از زنبور عسل‌است.

‌حضرت‌با استشهاد به‌دو آيه‌از قرآن‌مي‌خواهند بفرمايند كه‌خداوند به‌او وحي‌مي‌كند. البته‌همان‌طوري‌كه‌در آن‌دو آيه،‌مراد از وحي، وحي‌مصطلح‌(نزول‌جبرئيل،‌همراه‌با ادعاي‌نبوت) نيست؛‌مراد از وحي‌به‌حضرت‌مهدي(عجّل‌اللّه‌تعالي‌فرجه‌الشّريف) هم‌وحي‌مصطلح‌نيست.

11- حضرت‌زهرا(س) و حضرت‌بقيه‌اللّه(عج) هر دو كوكب‌درّي‌‌هستند.

الف) ‌حضرت زهرا (س) ستاره‌درخشان‌است.

‌ابي‌هاشم‌عسكري‌از امام‌عسكري(عليه‌السّلام) سؤ‌ال‌مي‌كند: لم‌سميت‌فاطمه‌الزهراء؟ فقال: كان‌وجهها يزهرلاميرالمؤ‌منين(عليه‌السّلام) من‌اول‌النهار كالشمس‌الضاحيه‌و عندالزوال‌كالقمر المنير و عند غروب‌الشمس‌كالكوكب‌الدري.72

‌حضرت در جواب اين سؤال كه چرا حضرت‌فاطمه(عليهاالسّلام) را زهرا ناميدند،‌فرمودند: صورت‌او براي‌اميرمؤ‌منان(عليه‌السّلام) نور افشاني‌مي‌كرد؛ ‌در اول‌روز، مثل‌خورشيد تابان،‌و هنگام‌ظهر،‌مثل‌ماه‌منير و در وقت غروب‌خورشيد، مثل‌كوكب‌دري‌و ستاره‌درخشان‌.

حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) در حديث مفاخره - حديثي كه در آن حضرت علي(عليه‌السلا‌م) و فاطمه زهرا(عليها‌السلا‌م) هر كدام فضائل خود را بر مي‌شمرند - خود را به‌عنوان‌كوكب‌درّي‌معرفي‌مي‌كنند.

قال علي(عليه‌السلا‌م):

‌انا الامين‌الاصلع. قالت‌فاطمه: انا الكوكب‌ الذي‌يلمع...73 حضرت علي (عليه‌السلا‌م) فرمود: من‌امين‌اصلع هستم. حضرت‌فاطمه(عليهاالسّلام) فرمودند: من‌ستاره‌اي‌هستم‌كه‌مي‌درخشد.

‌امام‌صادق(عليه‌السّلام) مي‌فرمايند: <كانّها كوكب‌دري> (در آيه‌35 سوره نور) كأن‌فاطمه(عليهاالسّلام) كوكب‌دري‌بين‌نساء اهل‌الارض‌(اهل‌الدنيا).74

‌گويا فاطمه(عليهاالسّلام) همانند ستاره‌درخشان‌بين‌زنان‌اهل‌زمين‌(اهل‌دنيا) است.

ب) ‌حضرت مهدي (عجّل‌اللّه‌تعالي‌فرجه‌الشّريف) ستاره‌درخشان‌است.

‌قال‌رسول‌الله(صلّي‌اللّهُعليه‌وآله‌وسلّم): المهدي‌رجلٌ مِن‌و‌لدي؛‌وجهه‌كالكوكب‌الدري.75

‌پيامبر(صلي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) فرمودند : مهدي‌مردي‌از فرزندان‌من‌است،‌كه‌صورتش‌مثل‌ستاره‌درخشان‌است.

‌پيامبر‌اكرم(صلي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) در ضمن‌بيان‌مشاهدات‌خود در معراج‌مي‌فرمايد‌: خداوند انوار ائمه‌ اثني‌عشر را به‌من‌نشان‌داد و فرمود: يا محمد! ارفع‌راسك‌فاذا ‌انا‌بانوار علي‌و... و محمد بن‌الحسن‌الحجه‌يتلالا من‌بينهم‌(يتلالا وجهه‌من‌بينهم) كانّه‌كوكب‌دري. فقلت‌: يارب! من‌هذا؟ (من‌هؤلاء و مَن‌هذا) قال: يا محمد! هم‌الائمّه‌من‌بعدك؛ المطهّرون‌من‌صلبك‌و هذا الحجه‌الذي‌يملا الارض‌قسطا و عدلاً و يشفي‌صدور قوم‌مؤ‌منين.76

‌اي‌محمد(صلي‌اللّهُعليه‌وآله‌وسلّم)! سرت‌را بالا بياور. وقتي‌بالا را نگاه‌كردم،‌نور ائمه (عليهم‌السلا‌م) را ديدم كه ‌نور محمدبن‌الحسن،‌بين‌آنها نورافشاني‌مي‌كرد و صورتش‌مي‌درخشيد، مثل‌ستاره‌درخشاني. پس‌عرض‌كردم: خدايا! اينها چه‌كساني‌هستند و اين‌نور چه‌كسي‌است؟‌خطاب‌شد: اينها امامان‌بعد از تو،‌از صلب‌تو هستند،‌كه‌پاكند؛ و اين‌شخص‌كه‌مي‌درخشد، حجتي‌است‌ كه‌زمين‌را پر از قسط‌و عدل‌مي‌كند ودلهاي مؤ‌منين‌را شفا مي‌دهد.

12- ‌حضرت‌زهرا(س) منصوره و امام‌زمان(عج) منصور است.

الف) حضرت زهرا(عليهاالسّلام) ياري شده است.

دروصف حضرت فاطمه(عليهاالسلا‌م) آمده است: كه او

ميم‌ونَه مَنص‌ورَه م‌حتَسَمَه‌‌جميله جليله معظمهٌ . 77

يكي‌از آياتي‌كه‌به‌حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) وحضرت‌مهدي(عج)، تأويل شده است آيه‌4 سوره‌روم‌است‌<...يومئذٍ يفرح‌المؤ‌منون؛‌بنصرالله‌ينصر من‌يشاء و هو العزيز الرحيم>78

‌امام‌صادق(عليه‌السّلام) از قول‌پيامبر(صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم) نقل‌مي‌كنند،‌كه‌حضرت‌جبرئيل(عليه‌السّلام) سيب‌بهشتي‌را از طرف‌خداوند به‌رسم‌هديه‌براي‌پيامبر آورد و عرض‌كرد: بخور اين‌سيب‌را. سيب‌را دو نيم‌كرد؛‌نوري‌ساطع‌شد. سؤ‌ال‌فرمودند: اين‌نور چيست‌؟ جبرئيل‌عرض‌كرد:‌فان‌ذلك النور،‌للمنصوره‌في‌السماء و في‌الارض‌فاطمه. قلت‌: حبيبي‌جبرئيل! ولم‌سميت‌في‌السماء المنصوره‌و في‌الارض‌فاطمه؟ (اين‌نور منصوره‌در آسمان‌و فاطمه‌در زمين‌است. به‌جبرئيل‌گفتم: حبيب‌من! ‌چرا او را در آسمان‌منصوره‌مي‌گويند و در زمين‌فاطمه؟ گفت:

‌سميت‌في‌الارض‌فاطمه،‌لانها فطمت‌و شيعتها من‌النار و فطم‌اعدائها من‌حبها. (او را در زمين‌فاطمه‌مي‌گويند؛ چرا كه‌او و شيعيانش‌از آتش‌بازداشته‌شده‌اند و دشمنان‌او از دوست‌داشتن‌او باز داشته‌شده‌اند.

‌در ادامه‌عرض‌داشت: و هي‌في‌السماء المنصوره ؛‌و ذلك قوله‌عزوجل‌<و يومئذ يفرح‌المؤ‌منون‌بنصرالله> يعني‌نصر الله‌لمحبيها.79 او را در آسمان‌منصوره خوانند؛ و اين‌همان‌گفتار خداوند است‌كه‌فرمود: <در چنين‌روزي‌مؤ‌منان‌به ياري خداوند - ياري خداوند به محبين آن حضرت - خوشحال‌مي‌شوند. آن حضرت؛ ‌دوستداران‌او در آن‌روز و روز ظهور امام‌زمان(عليه‌السّلام) خوشحال‌مي‌شوند؛‌امام‌صادق(عليه‌السّلام) در پاسخ‌سؤ‌ال‌ابي‌بصير از آن‌حضرت‌پيرامون‌تفسير <الم؛‌غلبت‌الروم> فرمود: ه‌م‌بنو اميه : آنها بنو اميه‌هستند... <و يومئذ يفرح‌المؤ‌منون‌بنصرالله> عند قيام‌القائم.80

‌مؤ‌منان‌به ياري خداوند هنگام قيام حضرت مهدي(عج) خوشحال‌مي‌شوند،

گفتني است، حتي‌مؤ‌مناني‌كه‌از دنيا رفته‌اند، به‌چنين‌قيامي‌خوشحال‌مي‌شوند؛

امام‌صادق(عليه‌السّلام) فرمودند: <يومئذ يفرح‌المؤ‌منون‌بنصرالله> في‌قبورهم‌، بقيام‌القائم(عليه‌السّلام)81

‌مؤ‌منان،‌در حالي‌كه‌در قبرهايشان‌هستند. به قيام حضرت مهدي(عج) خوشحال مي‌شوند.

پس هر روزي كه روز نجات مؤمنان و پيروزي آنها باشد‌و ياري خداوند‌شامل آنها بشود، روز فرح و خوشحالي مؤمنان خواهد بود.

ب) حضرت مهدي(عج) منصور است.

خداوند حضرت مهدي (عج) را منصور ناميده اند <و من‌قتل‌ مظلوماً فقد جعلنا لوليّه‌سلطانا فلايسرف‌في‌القتل‌انّه‌كان‌منصوراً > 82

‌در روايات‌آيه شريفه به‌حضرت‌امام‌حسين(عليه‌السّلام) و حضرت‌مهدي(عج)‌تأويل شده است.

‌امام‌باقر(عليه‌السّلام) فرمودند: <من‌قتل‌مظلوماً> ، الحسين، كشته‌شده‌ي‌مظلوم، ‌حسين(عليه‌السّلام) است. انه‌ كان‌منصوراً، سمي‌الله‌المهدي‌المنصور؛ كما سمّي‌احمد و محمد و محمود و كما سمّي‌عيسي ‌المسيح.83

‌حضرت‌مي‌فرمايد :‌خداوند مهدي‌را منصور ناميده همان طور كه (پيامبر را) احمد و محمد و محمود ناميد و چنانچه عيسي‌(عليه‌السلا‌م) را مسيح‌ناميد.

و در زيارت‌عاشورا مي‌خوانيم: فاسئل‌الله‌الذي‌اكرم‌مقامك‌و اكرمني‌بك‌ان‌يرزقني‌طلب‌ثارك‌مع‌امام‌منصور من‌اهل‌بيت‌محمد(صلّي‌اللّه‌‌عليه‌وآله‌وسلّم).84 از خداوند مي‌خواهيم‌كه‌به‌ما توفيق‌بدهد در كنار امام‌منصور (امام‌زمان<عليه‌السّلام>) خون‌خواهي‌حسين(عليه‌السّلام) را بكنيم.

همچنين امام‌باقر(عليه‌السّلام) مي‌فرمايد: القائم‌منا منصورٌ بالرّ‌عب‌م‌وَِ‌يَّدٌ بالنصر.85 قائم‌از ما، ياري‌شده‌است‌به‌وسيله‌ترس‌در دل‌دشمنان‌و تأييد شده‌به‌وسيله ياري او.

‌و بالاخره‌در دعاي‌ندبه‌مي‌خوانيم: اين‌المنصور علي‌من‌اعتدي عليه‌و افتري.86

كجاست‌آن‌كسي‌كه‌ياري‌شده‌است‌بر عليه‌كسي‌كه‌نسبت‌به‌او تعدي‌كرده و افترا بسته.

13- حضرت‌زهرا(س) صديقه‌و حضرت‌مهدي(عج) صادق‌المقال‌است.

الف) ‌حضرت زهرا راست گفتار است:

‌پيامبر (صلّي اللّهُ عليه‌وآله‌وسلّم) به‌حضرت‌علي(عليه‌السّلام) فرمودند: سفارشهايي‌به‌دخترم‌فاطمه‌كرده‌ام‌و به‌او دستور دادم‌آنها را به‌تو بگويد؛ آنها را نافذ بدان. فهي‌الصادقه‌الصدوقه‌. او بسيار راست گفتارست. سپس‌حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) را به‌سينه‌چسباند و سر او را بوسيد‌و فرمود: فداك‌ابوك‌يا فاطمه . پدرت‌به‌فداي‌تو اي‌فاطمه87

مفضل‌مي‌گويد:‌به‌امام‌صادق(عليه‌السّلام) عرض‌كردم: چه‌كسي‌فاطمه‌ (عليها السلا‌م) را غسل‌داد؟ فرمودند : ‌حضرت علي(عليه‌السّلام) ... سپس‌حضرت‌فرمودند: گويا ‌از اين‌خبرناراحت شدي! ‌عرض‌كردم: بله‌قربانت‌شوم. حضرت‌فرمودند : دل‌گير نشو: فانها صديقه‌لم‌يكن‌يغسّلها الاصديق. اما علمت‌ان‌مريم‌لم‌يغسّلها الا‌عيسي.88

‌به‌درستي‌كه‌او صديقه‌بود ،‌كه‌جز صديق نمي‌توانست‌او را غسل‌دهد. آيا نمي‌داني‌مريم‌را (كه‌صديقه‌بود) جز عيسي‌غسل‌نداد.

‌پيامبر به‌حضرت‌علي(عليه‌السّلام) فرمودند: به‌تو سه‌چيز داده‌شده‌كه‌حتي‌به‌من‌هم‌داده‌نشد: يكي‌اينكه‌پدر همسر تو مثل‌من‌است‌و براي همسريت، صديقه‌اي‌مثل‌دختر من‌به‌تو داده‌شده...89

و گفتني است كه حتي‌مخالفين‌هم‌اعتراف‌مي‌كنند كه‌او صديقه‌است.

‌هنگامي‌كه‌حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) مطالبي را در خطبه‌فدكيه‌بيان فرمودند. اولي مي‌گويد: ... و انتِ يا خيره‌النساء وابنه‌خيرالانبياء صادقه في‌قولك... ولا مصدوده عن‌صدقِك... صدق‌الله‌و رسوله‌و صَدَقتِ ابنته‌.90

‌تو اي‌بهترين‌زنان‌و دختر بهترين‌پيامبران، در گفتارت‌صادق‌هستي... و چيزي‌نيست‌كه‌تو را از صدقت‌باز دارد... خدا و رسولش‌راستگويند و دختر رسول‌خدا(صلّي‌اللّه‌‌عليه‌وآله‌وسلّم) هم‌ راستگوست.

ب) حضرت مهدي‌(عج) راست گفتار است‌

‌حضرت‌علي(عليه‌السّلام) مي‌فرمايد: يَظهر صاحب‌الرايه‌المحمديه‌والدوله‌الاحمديه، القائم‌بالسيف‌والحال، الصادق‌في‌المقال؛‌ي‌مَهِّد‌ُ الارضَ و ي‌حيِي‌السنه‌والفرض.91

‌صاحب‌پرچم‌محمدي(صلّي‌اللّه‌‌عليه‌وآله‌وسلّم)وبنيانگذاردولت‌احمدي(صلّي‌اللّه‌‌عليه‌وآله‌وسلّم) ظهور مي‌كند؛‌در حالي‌كه‌شمشير در دست‌دارد، راستگو در گفتار است، زمين‌را مهد زندگي‌سازد و احكام‌اسلام‌ (اعم‌از سنت‌و فرض) را زنده‌گرداند.

14- ‌حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) صابره‌و حضرت‌مهدي(عليه‌السّلام) صابر است.

الف) ‌حضرت زهرا (عليها‌السلا‌م) ‌صبر كننده است.

‌در زيارت‌حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) مي‌خوانيم: يا ممتحنه‌امتحنكِ الله‌الذي‌خلقك قبل‌ان‌يخلقك؛ فوجدكِ لما امتحنك صابرهً و...92

‌اي‌امتحان‌شده‌اي‌كه‌خداوند قبل‌از اينكه‌بيافريند تو را ، امتحانت‌كرد؛‌پس‌تو را صبر كننده‌ديد نسبت‌به‌امتحانات... .

ب) ‌حضرت مهدي(عج) صبر كننده است.

‌در دعاي‌زمان‌غيبت‌امام‌زمان(عليه‌السّلام) مي‌خوانيم: فانه‌الهادي... الصابرالمجتهد الشكور...93

در حديث‌لوح‌است كه: عليه‌كمال‌موسي‌و بهاء عيسي‌و صبر ايوب... 94

مؤيد اين مطلب آن است كه يكي از فقها‌و مراجع بزرگوار نقل مي‌كرد: يكي از اشخاص مورد اعتماد‌اخيراً‌در عالم روِيا خدمت حضرت بقيه الله (عج) رسيده؛‌نوشته اي را روي سينه مبارك آن حضرت ديده، كه‌روي آن نوشته شده بود:

اَنَا صابرٌ علي هذا الا‌مر ولكن اندبوني، اندبوني، اندبوني

بر اين امر، صبر مي كنم؛‌ولكن با سوز و ناله ،‌بلند بلند بر من گريه كنيد، بلند بلند بر من گريه كنيد، بلند بلند بر من گريه كنيد.95

15- حضرت‌زهرا(س) معصومه‌و امام‌زمان(عج) معصوم‌است .

الف) ‌حضرت زهرا(س) ‌معصومه‌است‌.

‌عصمت‌حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) از آيه‌تطهير و روايات متعدد به‌خوبي‌استفاده‌مي‌شود96 و در زيارت‌آن‌بزرگوار مي‌خوانيم: السلام‌عليك ايتها المعصومه‌المظلومه97 و مي‌خوانيم:‌اللهم‌صل‌علي‌محمد و اهل‌بيته‌و صلّ علي‌البتول‌الطاهره‌الصديقه‌المعصومه...98

ب : ‌حضرت مهدي(عج) معصوم‌است‌

و در زيارت جامعه كبيره خطاب به تمامي امامان از جمله حضرت مهدي(عج) عرض‌مي‌كنيم: واشهد اَنك‌م‌الائمّه‌الرّاشدون‌المهديّون‌المعصومونَ الم‌كَرَّمو‌نَ الم‌قَرّبونَ...99 شهادت‌مي‌دهم‌كه‌شما پيشوايان‌رشد يافته، هدايت‌شدگان، معصومان، بزرگواران‌و مقرّبان‌درگاه‌خداوند... هستيد.

دليلهاي عصمت امامان شامل عصمت حضرت مهدي(عج) هم مي‌شود

16- حضرت‌زهرا(س) مظهر آيه‌نور و حضرت‌مهدي(عج) نور آل‌محمد(عليهم السّلام) است.

الف) ‌حضرت زهرا مظهر آيه‌نور است.

‌براي‌آيه‌نور100 چند تأويل‌در روايات‌بيان‌شد. يكي‌از آنها حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) را به‌عنوان ‌مشكاه‌(محفظه‌چراغ، چراغدان) معرفي‌مي‌كند.

‌قال‌الصادق(عليه‌السّلام) <الله‌نورالسموات‌والارض‌مثل‌نوره‌كمشكاه‌> المشكاه‌فاطمه(عليهاالسّلام)، <فيها مصباح> المصباح،‌الحسن‌والحسين‌(عليهماالسلام) <في‌زجاجه‌الزجاجه‌كانها كوكب‌دري>، كأن‌فاطمه(عليهاالسّلام) كوكب‌دري‌بين‌ نساء اهل‌الارض‌(اهل‌الدنيا)...101

‌امام‌صادق(عليه‌السّلام) فرمودند: <مشكاه> در آيه‌ نور‌فاطمه(عليهاالسّلام) است‌<در او مصباح‌ است>، <المصباح> يعني‌امام‌حسن‌و امام‌حسين(عليهماالسلام) در او وجود دارند، <كانها كوكب‌دري>،‌فاطمه‌همانند ستاره‌درخشان‌بين‌زنان‌اهل‌زمين‌(اهل‌دنيا) است.

ب) ‌حضرت مهدي(عج) نور آل‌محمد(عليهم السّلام) است.

‌سيد بن‌طاووس‌مي‌گويد: از مهمات‌بعد از نماز ظهر،‌آن است كه همانند امام صادق(عليه‌السلا‌م) براي حضرت مهدي(عج) دعا كنيم.

راوي‌مي‌گويد: بعد از تمام‌شدن‌دعاي حضرت صادق(عليه‌السلا‌م) عرض‌كردم: اليس‌قد دعوتُ‌لنفسك‌جعلت‌فداك؟ آيا اين‌چنين‌نيست‌كه‌براي‌خودتان‌دعا كرديد؟ حضرت‌فرمودند: دعوتُ‌لنور آل‌محمد(عليهم‌السّلام) و سائقهم‌و المنتقم‌بامر الله‌من‌اعدائهم... 102

(خير) دعا كردم‌براي‌نور آل‌محمد(عليهم‌السّلام) و پيش برنده‌ي آنها و انتقام‌گيرنده‌از دشمنانشان‌به‌دستور الهي.

17- حضرت‌زهرا(س) و حضرت مهدي (عج) هر دو فرياد رس هستند.

الف : ‌حضرت زهرا فرياد رس است.

‌علامه‌مجلسي‌روايت‌مي‌كند، كه‌اگر حاجتي‌داشتي‌و سينه‌ات‌به خاطر او تنگ‌گشته،‌دو ركعت‌نماز بخوان؛ بعد از سلام‌نماز، سه‌مرتبه‌تكبير بگو و تسبيحات‌حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) را بخوان؛‌سپس‌به‌سجده‌برو و صد مرتبه‌بگو: يا مولاتي‌يا فاطمه‌اغيثيني؛‌پس‌گونه‌راست‌را بر زمين‌بگذار‌و همين‌را صد مرتبه‌‌بگو؛ سپس‌به‌سجده‌برو و همين‌را‌صد مرتبه‌بگو؛‌و بعد از آن‌گونه‌چپ‌را بر زمين‌بگذار و همين‌را صد مرتبه‌بگو؛‌و سپس‌به‌سجده‌برو و صد و ده‌مرتبه‌بگو، وحاجت‌خود را ياد كن؛‌به‌درستي‌كه‌خداوند برآورده ‌مي‌كند ان شاء الله‌تعالي.103

‌توجه: علامه‌مجلسي(ره) نماز استغاثه‌به‌حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) را به‌گونه‌ديگري‌هم‌نقل‌مي‌كند.104

ب) حضرت مهدي(عجّل‌اللّه‌تعالي‌فرجه‌الشّريف) فرياد رس‌است.

‌در زيارت‌آل‌يس(عليهم‌السّلام) مي‌خوانيم: السلام‌عليك‌اَ يّها العَلَم‌المنصوب‌ والعِلم‌المَصب‌وب ‌والغَوث‌والرحمَه ‌الواسِعَه . 105

سلام‌بر تو اي‌پرچم‌افراشته‌و دانش‌ريزان‌و فرياد رس‌و رحمت‌واسعه حق.

‌مؤيد مطلب اينكه،‌قطب‌الدين‌ راوندي‌از ابوالوفاي شيرازي نقل‌مي‌كند، كه‌در زندان‌ابن‌الياس‌گرفتار شده‌بودم؛‌تصميم‌قتل‌مرا گرفته‌بود،‌كه متوسل‌به‌امام‌سجاد(عليه‌السّلام) شدم. خواب‌بر من‌غلبه‌پيدا كرد؛ ‌وجود مبارك‌پيامبر(صلّي‌اللّهُعليه‌وآله‌وسلّم) را ديدم. دستوري عملي‌براي‌توسل‌به‌ائمه(عليهم‌السّلام) دادند. فرمودند: متوسل‌نشو به‌من‌و نه‌به‌دختر من‌و نه‌دو پسرم‌براي‌متاع‌دنيا؛‌بلكه‌از براي‌آخرت‌متوسل شو‌و اما اخي‌ابوالحسن(عليه‌السّلام)،‌فانه‌ينقم‌لك‌ممن‌ظلمك... و اما علي‌بن‌الحسين‌،‌فللنجاه‌من‌السلاطين‌و من‌معره‌(مفسده) الشياطين‌و اما محمد بن‌علي‌و جعفر بن‌محمد، فللاخره‌و اما موسي‌بن‌جعفر(عليه‌السّلام)،‌فالتمس‌به‌العافيه‌و اما علي‌بن‌موسي،‌فللنجاه‌من‌الاسفار في‌البر و البحر و اما محمد بن‌علي،‌فاستنزل‌به‌الرزق‌من‌الله‌تعالي‌و اما علي‌بن‌محمد، فلقضاء النوافل‌و برالاخوان‌و اما الحسن‌بن‌علي،‌فللاخره‌و اما الحجه،‌فاذا بلغ‌منك‌السيف‌المذبح‌(و اَومَأ بيده‌الي‌الحلق) فاستغث‌به،‌فانه‌يغيثك و هو غياث‌و كهف‌لمن‌استغاث‌به.

برادرم‌حضرت‌علي(عليه‌السّلام)،‌از ظلم‌كننده‌به‌تو انتقام‌مي‌كشد و امام‌سجاد(عليه‌السّلام)، براي‌نجات‌از سلاطين‌و از شرور شياطين‌و امام‌باقر و امام‌صادق(عليهما‌السّلام)،‌براي‌آخرت‌و امام‌كاظم(عليه‌السّلام)،‌براي‌طلب‌عافيت‌و امام‌رضا(عليه‌السّلام)،‌براي‌نجات‌در سفرهاي‌زميني‌و دريايي‌و امام‌جواد(عليه‌السّلام)،‌براي‌نزول‌رزق‌از خدا و امام‌هادي(عليه‌السّلام)،‌براي‌قضاي‌نوافل‌و نيكي‌اخوان‌و امام‌عسكري(عليه‌السّلام)،‌براي‌آخرت‌و حضرت مهدي(عج) اگر شمشير به‌محل‌ذبح‌تو (پيامبر‌(صلي‌اللّهُعليه‌وآله‌وسلّم) با دست خود به گلو‌اشاره‌فرمود) رسيد، پناه ببر به‌او؛‌به‌درستي‌كه‌او به‌فرياد تو مي‌رسد؛‌چرا كه‌او فرياد رس‌است‌و پناه‌است‌براي‌كسي‌كه‌به‌او استغاثه‌كند.

‌فقل: يا مولاي‌يا صاحب‌الزمان! انا مستغيث‌بك.106

‌پس‌بگو: اي‌سرورم‌! اي‌صاحب‌زمان! من‌به‌تو پناه‌آورده‌ام‌و از تو طلب‌فريادرسي‌مي‌كنم.

‌فقلت: يا مولاي‌يا صاحب‌الزمان! انا مستغيث‌بك؛‌ فاذا انا بشخص‌قد نزل‌من‌السماء تحته‌فرس‌و بيده‌حربه‌من‌نور. فقلت‌: يا مولاي! اكفني‌شر من‌يؤ‌ذيني. فقال: قد كفيتك فانني‌سالت‌الله‌عزوجل‌فيك‌و قد استجاب‌دعوتي.

‌پس‌من‌گفتم: يا مولاي‌يا صاحب‌الزمان! به‌فريادم‌برس. ناگهان‌ديدم‌شخص‌اسب‌سواري‌از آسمان‌فرود آمد؛‌در حالي‌كه‌سلاحي‌از نور در دست‌داشت. عرض‌كردم: اي‌مولاي‌من! شر كسي‌كه‌مرا اذيت‌مي‌كند، دفع‌كن. فرمود: شر او را از تو برطرف كردم؛ كار تو را انجام‌دادم؛‌من‌درباره‌تو از خدا خواستم‌و خداوند دعاي‌مرا اجابت‌كرد.

‌فاصبحت؛‌فاستدعاني‌ابن‌الياس‌و حل‌قيدي‌خلع‌عليّ و قال: بمن‌استغثت؟‌فقلت: استغثت‌بمن‌هو غياث‌المستغيثين.107

‌صبح‌كه‌طلوع‌كرد،‌‌ابن‌الياس‌مرا خواست‌و خودش‌زنجير را باز كرد و مرا آزاد كرد و سؤال‌كرد: به‌چه‌كسي‌پناه‌بردي‌و از چه‌كسي‌كمك‌گرفتي؟ گفتم‌: به‌كسي‌كه‌فريادرس‌طالبان‌فريادرسي‌هستند.

‌در دعاي‌فرج‌مي‌گوييم: اللهم‌عظم‌البلاء‌و برح‌الخفاء ... يا مولاي‌يا صاحب‌الزمان‌الغوث‌الغوث‌الغوث.108

‌اي‌مولا و آقاي‌من! اي‌صاحب‌زمان! به‌فرياد رس،‌به‌فرياد رس،‌به‌فرياد رس.

و در عريضه به‌خدمت‌حضرت‌بقيه‌الله(عليه‌السّلام) مي‌نويسيم‌: كنت‌يا مولاي‌صلوات‌الله‌عليك مستغيثا... فاغثني‌يا مولاي‌صلوات‌الله‌عليك. 109

‌توجه: پيامبر(صلي‌اللّه‌‌عليه‌وآله‌وسلّم) فرمود :‌و هو غياث‌و كهف‌لمن‌استغاث‌به‌او فريادرس‌و پناه‌هر كسي‌است‌كه‌به‌او پناه‌ببرد و فريادرسي‌بخواهد. نفرمود فقط‌غياث‌شيعيان‌و محبين‌است؛‌بلكه‌غياث‌هر كس‌است. چه‌بسيار كساني‌كه‌شيعه‌نبودند،‌اما وقتي‌به‌حضرتش استغاثه‌كردند،‌حضرت‌به‌فرياد آنها رسيد. در اين‌مورد قضاياي‌بسياري‌نقل‌شده كه يكي‌از آنها را ذكر مي‌كنيم:

عالم‌فاضل‌رباني‌ميرزا حسين‌نوري نقل‌مي‌كند كه دانشمند بزگوار شيخ علي رشتي، از شاگردان استاد اعظم ميرزاي شيرازي مي‌گويد: در يكي از سفرها، كه از زيارت امام حسين(عليه‌السلا‌م) به سوي نجف اشرف از راه فرات باز مي‌گشتم، در كشتي كوچكي كه بين كربلا‌و طويرج بود،‌سوار شدم. مسافران كه اهل حله بودند به بازيگري و مزاح مشغول شدند؛‌جز يك نفر كه هر چند با آنها هم غذا و همسفر بود و بر مذهب او خرده مي گرفتند و او را سرزنش مي‌كردند،‌با كمال متانت نشسته بود و هيچ شوخي نمي‌كرد. از اين وضع در تعجب بودم؛‌تا اينكه به جايي رسيديم كه آب كم بود و به ناچار پياده شديم. در كنار نهر كه مي رفتيم، از او پرسيدم: چرا از آنها كناره گيري مي كني و آنها بر مذهب تو خرده مي گيرند؟ گفت: اينها از عامه و خويشاوند من هستند؛‌پدرم نيز از ايشان است؛‌ولي مادرم از اهل ايمان است. من نيز مذهب آنها را داشتم ولي‌به بركت حضرت مهدي( عج) شيعه شدم.

از چگونگي شيعه شدن او سؤال كردم؟ جواب داد: اسم من ياقوت و شغل من روغن فروشي است. در يكي از سالها براي خريدن روغن از شهر حله بيرون رفتم،‌تا از صحرا نشينان روغن بخرم. ‌تا آن مقدار كه مي خواستم خريدم و به اتفاق عده اي از اهالي حلّه بازگشتم و در يكي از منزلگاهها فرود آمديم و خوابيدم. وقتي بيدار شدم، ديدم همه رفته اند و من در صحراي بي آب و علفي كه درندگان زيادي هم داشت، تنها مانده ام. به راه افتادم؛‌ولي راه را گم كردم و متحير ماندم؛‌از طرف ديگر از تشنگي و درندگان ترسان شدم. در آن حال به خلفا و مشايخ استغاثه كردم و از آنها كمك و شفاعت خواستم، تا خداوند برايم فرج كند؛‌ولي نتيجه اي نداد.

با خود گفتم: از مادرم شنيده ام كه مي‌گفت: ما امام زنده اي داريم كه كنيه اش ابا صالح است؛ يرشد الضّالَّ و يغيث الملهوف و يعين الضعيف. به فرياد گم شدگان مي رسد و درماندگان و ضعيفان را كمك و ياري مي كند. با خداوند پيمان بستم، كه به او استغاثه مي كنم؛‌اگر نجاتم داد،‌به مذهب مادرم در مي آيم. پس او را صدا كردم و به او پناه بردم. ناگهان در كنار خود كسي را ديدم كه عمامه سبزي بر سرداشت و همراه من را ه مي‌رفت. به من دستور داد كه به مذهب مادرم در آيم و كلماتي فرمود؛‌و به من فرمود به زودي به آباديي مي رسي كه آنجا همه شيعه هستند. گفتم: اي آقاي من! شما با من به آن آبادي‌نميآييد؟ فرمودند: نه ، لا‌نه استغاث بي الف نفس في اطراف البلا‌د اريد ان اُغيثهم. چون هزار نفر در اطراف بلا‌د به من پناهنده شده اند؛‌مي‌خواهم آنان را خلا‌ص كنم. يكباره‌از نظرم غايب شد. كمي راه رفتم و به آبادي رسيدم؛‌در صورتي كه مسافت زيادي تا آنجا بود،‌كه همسفرهايم روز بعد به آنجا رسيدند. از آنجا به حله برگشتم و به نزد سيدالفقها‌سيد مهدي قزويني رفتم و جريان را به او گفتم. او احكام و مسائل ديني را به من آموخت. از او سؤال كردم: چه عملي انجام دهم كه بار ديگر خدمت آن حضرت برسم؟

گفت: چهل شب جمعه به زيارت امام حسين(عليه‌السلا‌م) برو. من هم شبهاي جمعه به زيارت قبر آن حضرت مي‌رفتم. در شب جمعه سي و نهم، وقتي به دروازه شهر كربلا‌رسيدم، مأمورين ظالم از مردم گذرنامه مي‌خواستند و خيلي سخت مي‌گرفتند. من هم كه نه گذرنامه داشتم و نه قيمت آن را، چندبار خواستم به طور قاچاق از ميان جمعيت وارد شوم؛ ولي نشد. در همين اثنا حضرت صاحب الا‌مر(عج) را ديدم كه داخل شهر است. به او استغاثه كردم و كمك خواستم. بيرون آمد و مرا همراه خود از دروازه داخل شهر كرد و كسي مرا نديد. وقتي وارد شهر شديم،‌يكباره‌او را ديگر نديدم و با حسرت و تأسف بر فراقش ماندم. 110

18- حضرت‌زهرا(س) منتظِر و حضرت‌مهدي(عج) هم‌منتظَر و هم‌منتظِر است‌

الف) ‌حضرت زهرا منتظِر است‌.

‌در اواخر خطبه‌فدكيه111 حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام) مي‌فرمايد:<وانتَظِر‌وا اِنّا منتظرون>.112

در تفاسير روايي‌، اين‌آيه‌به‌ظهور حضرت‌مهدي(عجّل‌اللّه‌تعالي‌فرجه‌الشّريف)، تأويل شده است كه به برخي از آنها اشاره مي‌شود.113

- علي‌بن‌رئاب‌عن‌ابي‌عبدالله(عليه‌السّلام) انه‌قال‌في‌قول ا‌لله عزوجل: <يوم‌يأتي‌بعض‌آيات ربك‌لاينفع‌نفسا ايمانها لم‌تكن‌آمنت‌من‌قبل‌(او كسبت‌في‌ايمانها خيرا قل‌انتظروا اِنّا منتظرون)>114 قال: الايات‌الائمه‌والايه‌المنتظره‌، القائم(عليه‌السّلام).115

‌امام‌صادق(عليه‌السّلام) پيرامون‌اين‌آيه <‌روزي‌كه‌بعضي‌از آيات‌پروردگار تحقق‌مي‌پذيرد، ايمان‌آوردن‌افرادي‌كه‌قبلاً ايمان‌نياورده‌اند يا در ايمانشان‌عمل‌نيكي‌انجام‌نداده‌اند،‌سودي‌به‌حالشان‌نخواهد داشت. بگو: انتظار بكشيد، ما هم‌انتظار مي‌كشيم.> فرمودند: آيات، ائمه(عليهم‌السلام) هستند و آيه‌اي‌كه‌انتظار او كشيده‌مي‌شود، حضرت‌قائم(عليه‌السّلام) است.

- ‌ابي‌بصير مي‌گويد: امام‌صادق(عليه‌السّلام) در تفسير همين‌آيه‌فرمودند: ‌يعني‌خروج‌القائم‌المنتظر منا... 116

‌انتظار قيام‌حضرت‌قائم، كه‌او منتظَر از ما اهل‌بيت‌هست.

‌پس‌شما و ما منتظِر منتظَر (حضرت‌مهدي،‌عليه‌السّلام) هستيم.

- محمد بن‌فضيل‌مي‌گويد: از امام‌رضا(عليه‌السّلام) سؤ‌ال‌كردم‌از انتظار فرج‌فقال: او ليس‌تعلم‌ان‌انتظار الفرج‌من‌الفرج؛‌ثم‌قال: ان‌الله‌تبارك‌و

تعالي‌يقول: <وارتقبوا اني‌معكم‌ رقيب>. 117

‌حضرت‌فرمود:‌آيا نمي‌داني‌انتظار فرج‌از فرج‌است‌(جزو فرج‌است)؛‌سپس‌فرمود: خداوند مي‌فرمايد: <انتظار بكشيد؛‌من‌هم ‌با شما منتظر هستم>.

- تا آنجا آيه‌<فانتظروا اني‌معكم‌من‌المنتظرين> مربوط به حضرت مهدي(عليه‌السّلام) است‌كه‌امام‌صادق(عليه‌السّلام) براي‌اثبات‌اينكه‌آيه‌سوم‌سوره‌بقره‌در مورد حضرت مهدي (عليه‌السّلام) است،‌به‌اين‌آيه‌تمسك‌مي‌كنند.

‌يحيي‌بن‌قاسم‌مي‌گويد: از امام‌صادق(عليه‌السّلام) در مورد آيه‌<الم‌ذلك الكتاب‌لاريب‌فيه‌هدي‌للمتقين‌الذين‌يؤ‌منون‌بالغيب>118 سؤ‌ال‌كردم‌فقال‌: المتقون،‌شيعه‌عليٍّ والغيب‌هو الحجه‌القائم‌و شاهد ذلك قول‌الله عزوجل‌<و يقولون‌لولا انزل‌عليه‌آيه‌من‌ربه‌فقل‌انما الغيب‌لله‌فانتظروا اني‌معكم‌من‌المنتظرين>.119 و120

حضرت‌فرمودند :‌مراد از متقين‌در آيه، شيعه‌حضرت‌علي(عليه‌السّلام) هستند و غيب‌حضرت‌قائم(عجّل‌اللّه‌تعالي‌فرجه‌الشّريف) است؛‌شاهد بر اين مدعا گفتار خداوند است‌كه‌مي‌فرمايد: <مي‌گويند: چرا معجزه‌اي‌از پروردگارش‌بر او نازل‌نمي‌شود! پس‌بگو: غيب‌تنها براي‌خدا (و به‌فرمان‌او) است؛‌شما در انتظار باشيد؛ من‌هم‌با شما در انتظارم.

پس حضرت زهرا(عليها‌السلا‌م) با تمسك به اين آيه ،‌منتظرِ ظهور حضرت مهدي(عج) مي باشد .

اي اميد آخرين فاطمه‌ اي نگار دلنشين فاطمه‌

كي بگيري انتقام فاطمه پركني عالم زنام فاطمه

فاطمه آن علت كل وجود منتظر باشد به آن روي كبود

كي ز رويش رنگ نيلي مي بري‌ كي زدلها داغ سيلي مي بري‌

آوري كي بهر آن مادر دوا كي دهي بشكسته پهلو را شفا

مادرت غمديده و دل بيقرار مي كشد بهر ظهورت انتظار

قد كمان جويد تو را آن مام پاك‌ گرچه جسم اطهرش غلتد بخاك‌

عالم هستي فداي خال تو فاطمه در كوچه ها دنبال تو121

ب) حضرت مهدي (عج) هم منتظَر است‌و هم منتظِر.

‌در ضمن‌بحث‌قبل،‌اين‌معنا روشن‌شد. اما رواياتي‌هم‌داريم‌كه‌آن‌حضرت‌را به‌اين‌لقب‌معرفي‌كرده‌اند.

امام‌جواد(عليه‌السّلام) مي‌فرمايد: ان‌الامام‌بعدي‌ابني‌علي... والامام‌بعده‌ابنه‌الحسن... ثم‌سكت. فقلت‌له: يابن‌رسول‌الله! فمن‌الامام‌بعد الحسن؟

امام‌بعد از من، فرزندم‌علي‌(امام‌هادي<عليه‌السّلام>) است‌و امام‌بعد از او، پسرش‌حسن(عليه‌السّلام) است؛‌پس‌امام‌ساكت‌شد. عرض‌كرد: امام‌بعد از امام‌حسن‌عسكري(عليه‌السّلام) كيست؟

‌فبكي(عليه‌السّلام) بكاءً شديداً ثم‌قال‌اِنّ من‌بعد الحسن‌ابنه‌القائم‌بالحق‌المنتظَر.

‌امام‌به‌شدت‌گريست‌و فرمود: بعد از حسن، فرزند او قائم‌به‌حق‌كه منتظَر است، مي‌باشد.

‌فقلت‌له: يا بن‌رسول‌الله: لم‌سمي‌القائم؟‌قال: لانه‌يقوم‌بعد موت‌ذكره‌و ارتداد اكثر القائلين‌بامامته‌.

‌عرض‌كردم‌: چرا به‌او قائم‌گويند؟‌فرمود: زيرا او بعد از آنكه‌يادش‌از بين‌مي‌رود و بيشتر قائلين‌به‌امامتش‌از اعتقاد خود باز مي‌گردند،‌قيام‌مي‌كند.

‌فقلت‌له: و لم‌سمّي‌المنتظَر؟ قال: لان‌له‌غيبه‌يكثر ايامها و يطول‌اَمَدَها؛ فينتظر خروجَه‌المخلصون... 122

‌عرض‌كردم‌:‌چرا به‌او منتظر گويند؟ فرمود: زيرا براي‌او غيبت‌طولانيي‌است؛ پس مؤ‌منين‌مخلص‌انتظار ظهورش‌را مي‌كشند.

البته كلمه <منتظر> را در اين روايت، مي‌شود بر وزن اسم فاعل (با كسره) هم خواند؛ اما به قرينه ذيل روايت (فينتظر...) حتماً بايد بر وزن اسم مفعول (با فتحه) خواند.

حضرت مهدي(عج) ‌منتظِر است‌:

‌ابي‌بصير مي‌گويد: از امام‌باقر(عليه‌السّلام) شنيدم‌كه‌مي‌فرمايد: في‌صاحب‌هذا الامر اربع‌سنن‌من‌اربعه‌انبياء: سنه‌من‌موسي‌و... و اما من‌موسي‌فخائف‌يترقب. 123

‌فرمود:‌در صاحب‌اين‌امر چهار روش از چهار پيامبر وجود دارد: روشي از موسي(عليه‌السلا‌م) و... و روش او از موسي‌اين است كه ترسانِ‌منتظِر است.

در دعا زمان غيبت مي‌خوانيم و امرك ينتظر، منتظر دستور تو است.124

ادامه دارد

------------------

پي‌نوشت‌ها:

1. براي‌اطلاع‌بيشتر، به كتابهاي‌كمال‌الدين،‌منتخب‌الاثر،‌مَن ‏ هو المهدي(عليه‌السّلام) و در انتظار ققنوس،‌مراجعه‌شود.

2. روزگار رهايي،‌ج1، ص‌72؛ به نقل‌ا‌ز البيان‌،‌ص‌63 و از عيون الاخبار،‌ج‌2، ص‌130 و چند منبع‌ديگر.

3. روزگار رهايي‌ج‌1، ص‌77 ؛‌‌به نقل‌ا‌ز بيش‌از ده‌منبع.

4. من‌هوالمهدي(عليه‌السّلام)،‌ص‌90 ، به نقل از سنن‌ابن‌ماجه،‌ج‌4، ص‌151 و بيش‌از بيست‌منبع‌ديگر عامه.

5. من‌هوالمهدي(عليه‌السّلام)، ص‌90،‌ به نقل‌ا‌ز ده‌منبع‌عامه.

6. در انتظار ققنوس، ص‌103، به نقل از عامه‌و خاصه.

7. بحارالا‌نوار، ج‌36، ص‌352، ح‌224، به نقل ا‌ز كفايه‌الاثر، ص‌26.

8. ر.ك: به كمال‌الدين، ج‌1، باب‌ 27 و 28؛ بحارالانوار ج‌ 36، ص‌193 و 195 و‌.9. من‌هو المهدي(عليه‌السّلام)، ص‌24.

10. ر.ك: به منتخب‌الاثر،‌ص‌84، ح‌2 و بحارالا‌نوار، ج 36 ، ص‌ح‌110،‌روايتي‌از كفايه‌الاثر از ابوذر نقل مي‌كند، وبحارالا‌نوار، ج‌28، ‌ص 52، ح‌21 و عوالم‌العلوم،‌ج 11، ص 379،‌از سلمان‌فارسي، و بحارالا‌نوار،‌ج‌40، ص 66، ح‌100 از سلمان‌فارسي‌(روايت‌زيبايي‌است)، بحارالا‌نوار، ‌ج‌36 ، ‌ص 307، ح‌146، از جابربن عبدالله‌انصاري‌، و بحارالا‌نوار، ج 36 ، ص‌328، ح‌184، از عمار ، و كشف‌الغمه،‌‌ج 3، ص‌283، الباب‌التاسع.

11 . كشف‌الغمه،‌‌ج 3، ص‌،‌به نقل از اربعون‌حافظ‌ابونعيم‌احمد بن‌عبداللّه‌و بحارالا‌نوار، ج 51، ص‌79، به نقل از كشف‌الغمه.

12. براي‌تحقيق‌بيشتر به كتاب‌كامل‌الزيارات،‌باب‌16، و بحارالا‌نوار، ج‌43 و ج‌44، ص 231 مراجعه‌شود.

13. منتخب‌كامل‌الزيارات،‌ص‌39 و كامل‌الزيارات، باب‌16، ح‌8 ،‌بحارالانوار،‌ج‌44، ص‌234.

14. منتخب‌كامل‌الزيارات،‌ص‌36 و كامل‌الزيارات‌، باب‌16 ح‌6 و بحارالانوار ج‌44، ص‌232‌و بحارالانوار ج‌43، ص‌245، ح‌20.

15. الغيبه‌الطوسي،‌ص‌173، در ضمن‌بعضي‌توفيقات‌و بحارالا‌نوار،‌ج 53،‌ص180 و احتجاج، چاپ اسوه،

‌ج 2، ص537،‌و المختار من كلمات‌الامام‌المهدي(عج) ج2، ص‌229.

16. با توجه‌به آن‌نكاتي‌كه‌در روايت‌هست: 1- تقديم‌ما حقه‌التاخر يفيد الحصر، 2- حضرت‌نمي‌فرمايد مادرم‌بلكه مي‌فرمايد : في‌ابنه‌رسول‌اللّه، صلّي الله‌عليه‌وآله،‌در اين‌اضافه‌نكاتي‌هست، تأمل شود.

17. اشاره‌به‌آيه‌‌سوره‌ممتحنه.

18. فاطمه ، بهجه قلب المصطفي(ص)، به نقل ا‌ز الغدير و او به نقل ا‌ز چند منبع‌عامه.

19. همان،‌ص‌185، به نقل از الغدير و او به نقل از چند منبع‌عامه.

20. همان، ص‌214، به نقل از مناقب (براي تحقيق بيشتر به كتاب ‌فاطمه بهجه قلب المصطفي(ص) رجوع شود.

21. بحارالا‌نوار، ج 43، ص 63، ح 58.

22. تفسير فرات، چاپ،‌داودي‌ص‌218 و چاپ، موسسه‌نشر، ص‌581.

23. تفسير البرهان‌، ج 4،‌ص 487 ،ح‌24 - تفسير فرات‌چاپ،‌موسسه‌نشر ص‌581 در پاورقي.

24. دليل‌آفتاب، ص‌18.

25. فاطمه‌، بهجه‌قلب‌المصطفي، ص‌153 - ر.ك: به‌شرح فصِ حكمه‌عصمتيه في كلمه فاطميته، آيه‌الله‌حسن‌زاده‌آملي.

26. دخان، 4-1.

27. الكافي‌، كتاب‌الحجه، باب‌مولد ابي‌الحسن‌موسي‌بن‌جعفر(عليه‌السّلام)، ح‌4.

28. براي‌توضيح‌بيشتر به‌كتاب‌سوگند به‌نور شب‌تاب‌،‌صفحه‌22 مراجعه‌شود كه‌مطالب‌زيبايي‌آورده.

29. فاطمه‌،‌بهجه‌قلب‌المصطفي، ص‌365 به نقل از بحارالا‌نوار، ج 8‌، ص‌109 الي‌112.

30. نجم‌الثاقب، ص 29 و 42.

31. بحارالا‌نوار، ج 102، ‌ص 246. مفاتيح‌الجنان، (استغاثه‌به‌حضرت‌حجه)<عليه‌السّلام>.

32. هود، 86.

33. روزگار رهايي، ج 1، ص‌110 به نقل از بحارالا‌نوار، ج 52، ص 373 وح 165، به نقل از منتخب‌الاثر، ص‌517.

34. روزگار رهايي، ج 1، ص‌160 به نقل از نه‌منبع.

35. روزگار رهايي، ج 1، ص‌485 به نقل‌از دوازده‌منبع‌- نجم‌الثاقب، ص‌40.

36. روزگار رهايي، ‌ج‌، ص663 به نقل از الزام‌الناصب، ص‌57.

37. فاطمه‌، من‌المهد الي‌اللحد، ص‌116، به نقل از بحارالانوار.

38. يس، 52.

39. فروع‌كافي، ط دارالا‌ضواء،‌ج 8، ص‌، ح‌346.

40. مراه‌العقول، ط‌دارالكتب، ج‌26، ص‌217.

41. فاطمه‌، من‌المهد الي‌اللحد، ص‌121 به نقل از ذخائر العقبي‌(طبري) و به نقل از‌نزهه‌المجالس‌(صفوري)، ص‌227.

42. احزاب، 37.

43. ر.ك: به فاطمه،‌من‌المهد الي‌اللحد و فاطمه‌بهجه‌قلب‌المصطفي(صلّي‌اللّه‌عليه‌وآله‌وسلّم) تحت‌عنوا‌ن‌طاهره.

44. روزگار رهايي، ج‌1، ص‌76 به‌نقل‌از بحارالانوار، ج‌52، ‌ص‌310 و به نقل از اعلام‌الوري، ص‌381 و چند منبع‌ديگر.

45. روزگار رهايي، ج 2، ‌ص‌706 به نقل از بحارالا‌نوار، ج‌52، ص‌و بشاره‌الاسلام، ص 23.

46. كمال‌الدين، چاپ‌جامعه‌مدرسين، ج 2، ‌ص513 و مفاتيح، دعا در غيبت‌امام‌زمان(عليه‌السّلام).

47. لسان‌العرب، ماده‌برك.

48. تفسير كبير، ج 32، ص124.

49. الميزان، ج 20، ذيل سوره كوثر.

50. براي‌توضيح‌بيشتر،‌به‌كتب‌تفسيري، وكتاب فاطمه،‌من‌المهد الي‌اللحد، و فاطمه،‌بهجه‌قلب‌المصطفي(صلّي‌اللّه ‌عليه‌وآله‌وسلّم) رجوع‌شود.

51. در شباهت سوم، گذشت.

52. روزگار رهايي، ج 2،‌ص950، به نقل از الملاح‌والفتن، ص‌108.

53. فاطمه (عليهاالسّلام)، من المهد الي‌اللحد، ص‌105.

54 . جنه‌العاصمه، ص‌57.

55. روزگار رهايي، ج 2،‌ص1088، به نقل از غيبت‌طوسي، ص‌269 و منابع‌ديگر.

56. جمال‌الاسبوع، ط آفاق، ص‌30.

57. مفاتيح‌الجنان، زيارت‌حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام)، و اقبال‌سيدبن‌طاووس، عمل‌روز بيستم‌جمادي‌الاخره.

58. همان.

59. فاطمه‌، من‌المهد الي‌اللحد، ص‌113، به نقل از بحارالا‌نوار، ج‌43، ص‌79 و 80 و 195.

60. به تعبير استاد، اين روايت از روايات صحيحه‌ائي است كه حضرت امام (ره) به آن استناد مي كردند و اين هبوط جبرئيل را بر حضرت زهرا(عليهاالسلا‌م) از بزرگترين فضايل مي شمارد ر.ك : به كتاب چشمه در بستر ، چاپ حضور، پاييز 1375 ، ص 286.

61. فاطمه‌، من‌المهد الي‌اللحد، ص‌111 ، به نقل ا‌ز علل الشرايع.

62. روزگار رهايي، ج 1، ص74 به نقل از ا‌صول‌كافي، ‌ج 1، ص 534 و چهار منبع‌ديگر.

63. همان، ص‌88 به نقل از كشف‌الغمه‌ج 3، ص 297.

64. اصول‌كافي، باب‌ماجأ في‌الاثني‌عشر والنص‌عليهم، ح‌11.

65 . سوره قدر.

66. تفسير برهان، ذيل‌آيه، ح‌20 و ح‌23.

67. تفسير قمي، ج 2،‌ص432.

68. روزگار رهايي‌، ج 1، ص‌132، به نقل از الزام‌الناصب، ص‌9.

69. حليه‌الابرار،‌ج 2، ص600.

70. قصص، 7، واوحينا الي‌ام‌موسي‌ان‌ارضعيه.

71. نحل، 68، واوحي‌ربك الي‌النحل‌ان‌اتخذي‌من‌الجبال‌بيوتا.

72. جنه‌العاصمه، ص‌60 ، به نقل از بحارالا‌نوار و‌فاطمه‌،‌بهجه‌قلب‌المصطفي(صلّي‌اللّه‌عليه‌وآله‌وسلّم) كلمه زهرا.

73. جنه‌العاصمه، ص‌72 ، به نقل از كتاب‌فضائل‌(شاذان‌بن‌جبرئيل‌قمي‌ره).

74. تفسير قمي، ج 2، ص 78 ذيل‌آيه‌نور - تفسير نورالثقلين، ج 3، ص‌، ح‌169 به نقل از اصول‌كافي.

75. كشف‌الغمه، ج 3 ، ص 269.

76. بحارالا‌نوار، ج 36، ص 302 - شبيه‌اين‌روايت،‌در عيون‌اخبار الرضا(عليه‌السّلام)، ج‌1، ص‌47.

77. جنه‌العاصمه، ص‌67.

78. در آن‌روز، مؤ‌منان‌خوشحال‌مي‌شوند به‌ياري‌خداوند، و او، هر كس‌را بخواهد، ياري‌مي‌كند، و او صاحب‌قدرت‌و رحمت‌است.

79. تفسير البرهان، ج 3، ص 258 ، ح‌6، ذيل‌آيه‌كريمه، بحارالا‌نوار، ج‌، ص‌4، ح‌3 و ص‌18، ح‌17.

80. همان، ح‌2.

81. همان، ح 5.

82. اسرا، 33 (كسي‌كه‌مظلومانه‌كشته‌شود، ما براي‌ولي‌او ، سلطه‌قرار داديم. پس، اسراف‌در قتل‌نكند. به‌درستي‌كه‌او منصور و ياري‌شده‌است).

83. بحار، ج 51، ص 30 ر.ك: به تفسيرالبرهان‌و نورالثقلين‌و قمي‌و...

84. مفاتيح‌الجنان، زيارت‌عاشورا.

85. روزگار رهايي، ج 1، ص‌478، به نقل از كشف‌الغمه، ج 3، ص 324، و ده‌منبع‌ديگر - كمال‌ا‌لدين، باب‌32، ح‌16.

86. مفاتيح‌الجنان، دعاي‌ندبه.

87. فاطمه‌بهجه‌قلب‌المصطفي، ص‌198 ، به‌نقل‌از بحارالانوار، ج‌22، ص‌491.

88 . همان، به نقل از وسائل الشيعه، ج 2، ص 714.

89. همان، به‌نقل‌از الرياض‌المنضر، ج‌2، ص‌202.

90 .همان، ص‌8-356 به‌نقل‌از بحارالانوار، ج‌43، خطبه‌فدكيه، و به‌نقل‌از احتجاج، خطبه‌فدكيه.

91 . روزگار رهايي، ج‌2، 609، به‌نقل‌از الزام الناصب ، ص‌، و سه منبع ديگر.

92 . جمال‌الاسبوع، ط آفاق، ص 9-38. مفاتيح‌الجنان، زيارت‌حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام).

93 . كمال‌الدين، ط جامعه مدرسين، ج 2، ص‌. مفاتيح‌الجنان، دعاي‌غيبت‌امام‌زمان(عليه‌السّلام).

94 . كمال‌الدين، ب‌28، ذيل، ح‌1.

95 . مطلع‌الفجر، ص‌182، به‌نقل‌از راهي‌به‌سوي‌نور، ص‌180.

96 . ر.ك: به‌كتاب‌فاطمه‌، ‌بهجه‌قلب‌المصطفي (صلّي‌اللّه عليه‌وآله‌وسلّم)، ص‌259.

97. اقبال‌سيدبن‌طاووس‌عمل‌روز بيستم‌جمادي‌الاخره.

98. همان ، مفاتيح الجنان ، زيارت دوم حضرت زهرا (عليها‌السلا‌م).

99. مفاتيح الجنان ، زيارت جامعه كبيره .

100 . سوره‌نور، 35.

101 . تفسير قمي‌ج 2، ص 78 ، ذيل‌آيه‌- تفسير نورالثقلين، ج 3، ص‌، ح‌169 به نقل از اصول‌كافي.

102 . فلاح‌السائل، ط‌دفتر تبليغات، ص‌171 و ط‌دفتر تبليغات‌با تحقيق، ص‌308.

103 . بحارالانوار، ج‌102، ص‌254، ح‌13 - حاشيه‌مفاتيح‌الجنان، نماز استغاثه‌به‌ حضرت‌زهرا(عليهاالسّلام).

104 . بحارالانوار، ج‌102، ص‌254، ح‌ 12.

105 . بحارالانوار، ج‌53، ص‌171 ، توقيع‌5،‌به‌نقل‌از احتجاج. مفاتيح‌الجنان. زيارت‌حضرت‌صاحب‌الزمان (عليه‌السّلام) معروف به زيارت‌ال‌يس(عليهم‌ا‌لسّلام).

106 . نقل‌ديگري‌هست‌كه، ‌پيامبراكرم (صلي‌اللّه عليه‌وآله‌وسلّم) فرمودند: بگو: يا صاحب‌الزمان،‌اغثني،‌يا صاحب‌الزمان‌ادركني، (اي‌صاحب‌زمان‌به‌فرياد من‌برس، اي‌صاحب‌زمان‌مرا درياب) پس‌در خواب‌فرياد زدم: يا صاحب‌الزمان، اغثني‌يا صاحب‌الزمان‌ادركني‌(نجم‌الثاقب، ط جمكران، باب‌9، قضيه‌اول، ص‌729).

107 . الدعوات‌، راوندي، ص‌2-191؛ بحارالانوار، ج 53 ، ص 324 و ج‌94، ص‌35 و نجم‌الثاقب، ط جمكران، ‌باب‌9، قضيه‌اول، ص‌729.

108 . مفاتيح‌الجنان، دعاي‌فرج‌حضرت‌حجه(عليه‌السّلام).

109 . منتهي‌الامال، آخر فصل‌ششم.

110 . بحارالانوار، ج‌53، ص‌، و مكيال‌المكارم، ج‌1، ص‌107، به نقل از جنه‌المأوي، ص‌292.

111. بحارالانوار، ج‌8، ص‌109 به نقل ا‌ز احتجاج‌طبرسي، ط اسوه، ج‌1، ص‌253.

112 . انتظار بكشيد، ما هم‌،‌انتظار مي‌كشيم‌- آيات‌به‌اين‌مضمون،‌متعدد است، از جمله،‌انعام،‌158، يونس، 20 و 102 و هود،‌122.

113 . ر.ك: به‌تفسير البرهان، ج‌1، ص‌564، ح‌3 ، و ح 4، و ج‌2، ص‌181، ح‌1، و ص‌232، ح‌4، و ح 5، و ص‌205، و به‌تفسير عياشي، ج‌2، ص‌128، ح‌50،‌و ص‌ 159، ح‌62 - و به‌كمال‌الدين، ج‌2، باب‌55.

114 . انعام، 158.

115 . تفسير البرهان، ج‌1، ص‌564، ح‌3.

116. همان، ح‌4.

117 . تفسير البرهان، ج‌2، ص‌232، ح‌4.

118 . بقره، 3 - 1 - الم‌- آن‌كتابي‌كه‌شك‌در آن‌راه‌ندارد ، و مايه‌هدايت‌پرهيزكاران‌است، آنها، كساني هستند كه، به غيب ايمان مي آورند.

119 . يونس، 20.

120 . تفسير البرهان، ج‌2، ص‌181، ح‌1.

121. نغمه‌هاي فاطميه، ص 17.

122. كمال‌الدين، ج‌2، باب‌36، ح‌3؛ ر.ك: به‌غيبت‌نعماني، ص‌41، ذيل‌آيه‌و رابطوا اي‌رابطوا امامكم‌المنتظَر و ر.ك: به‌روزگار رهايي، ج‌1، ص‌98 و 109 و 276 و 327 و 500.

123. كمال‌الدين، ج‌1، باب‌32،‌ح‌6‌، و ح 11.

124. مفاتيح الجنان، دعا در غيبت امام زمان(عج).